

پیشین



بر اساس نسخه مورخ ۸۱۳ هجری

تتبع

پرفسور تذیر احمد

استاد دانشگاه اسلامی علیگره

مرکز تحقیقات فارسی رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران دہلی نو

مشخصات کتاب

- نام کتاب : غزلیات حافظ
(براساس نسخه موقوف ۵۸۱۳ هـ)
ترتیب و تنظیم : پروفیسور نذیر احمد
ناشر : مرکز تحقیقات فارسی رازی فرہنگی جمهوری اسلامی ایران ،
دہلی نو .
چاپ : ایس - اے - برترس ، ۱۷۲۰/۵ جامع مسجد ، کیلاش نگر ،
دہلی - ۱۱۰۰۳۱
شمارہ ردیف : ۸
قطع : ۲۵/۵ X ۱۸
تاریخ نشر : ۴ دی ماه ، ۱۳۶۷ ش . برابر ۱۵ جمادی الاول ۱۴۰۹ - ق
(بمناسبت سمینار بزرگداشت حافظ در ہند)
بہا : ۶۰ روپیہ
© حق چاپ برای رازی فرہنگی جمهوری اسلامی ایران ، دہلی نو ،
محفوظ است .

مندرجات

١. مقدمة مصحح ١ - ١١
٢. غزليات ١٢ - ٦٩
٣. فهرست غزليات (به ترتيب الفبائى) ٧٠ - ٧٣
٤. عكس غزليات نسخة اصل ٧٦ - ٩٦

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در موزه سالار جنگ حیدرآباد (هند) مجموعه ایست بشماره ، نظم فارسی ۳۲۸۹/۳۶ (فهرست مخطوطات فارسی ج ۶ ص ۳۷-۳۹). شامل ۴۷ غزل حافظ . این مجموعه در محترم ۸۱۳ هـ رونویس شده ، بنابرین این را باید یکی از منابع بسیار قدیم راجع باشعار حافظ قرار داد و بهمین علت عکس این غزلیا همراه متن انتقادی آنها درین رساله چاپ می شود . ناگفته نماند که در تصحیح متن غزلیهای حافظ این مجموعه تا کنون بکار برده نشده . مجموعه هذا شامل اجزای زیر می باشد :

الف اثر ، منتخب خفای علائی از سید اسماعیل جرجانی (م : ۵۳۱ یا ۵۳۳) .

ابتدا : الحمد لله . . اما بعد این مختصریست در معرفت علم طب النخ خانمہ : و زردہ تخم مرغ نیم برشت باید دادن . . و هو یشفی ، بجوده و کرمه .

ب- انتخاب منظومات از شاعران ذیل :

[در متن]

- | | |
|-----------|-----------------|
| ۱۹-۱۳ برگ | ۱. کمال اسماعیل |
| ۳۰-۲۰ " | ۲. انوری ایوردی |
| ۴۳-۳۰ " | ۳. ظہیر قاریایی |
| ۴۸-۴۳ " | ۴. سلمان ساوجی |
| ۵۴-۴۸ " | ۵. شمس طبسی |
| ۶۱-۵۵ " | ۶. [ناشناس] |

۷. سعدی شیرازی
برگ ۶۵-۶۱
۸. عراقی (زجیات) :
۷۳-۶۶ "
۹. نظامی گنجوی :
برگ ۱۱۸-۷۴
۱۳۳-۱۱۸ " خسرو و شیرین
۱۴۳-۱۳۳ " لیلی و مجنون
۱۵۳-۱۴۳ " هفت پیکر
۱۶۲-۱۵۳ " شرفنامه
۱۷۱-۱۶۳ " ۱۰. جلال طیب
مخزن الاسرار
[در حاشیه]
۱. حافظ شیرازی
برگ ۳۰-۲۰
۲. کمال خجندی
۳۹-۳۰ " ۲
۳. امیر خسرو
۴۳-۳۹ " ۳
۴. حسن سجزی
۴۸-۴۳ " ۴
۵. جلال طیب
۵۴-۴۸ " ۵
۶. عراقی (مقطعات)
۷۳-۶۶ " ۶
۷. امیر خسرو دهلوی
۱۰۷-۷۴ برگ ۷
خسرو و شیرین
۱۲۹-۱۰۷ " مجنون و لیلی
۱۴۳-۱۲۹ " هشت بهشت
۱۵۳-۱۴۳ " (آینه سکندری)
۱۶۲-۱۵۳ ۸. کمال خجندی
۱۷۱-۱۶۳ " مطلع الانوار خسرو

کلی اوراق : ۱۷۱ :
اندازه : ۱۹۰ × ۱۰ سانتی متر
" ۱۸۰ × ۸ سانتی متر

خط : نستعلیق قدیم

تاریخ کتابت : محرم ۸۱۳ هـ

خاتمه : تم الکتاب بعدون الله الملك الوهاب فی تاریخ شهر محرم
الحرام سنه ثلث عشره و ثمانمائة (ورق ۱۱۸ الف)

خصوصیات املائی :

۱- درین نسخه تفریق میان دال و ذال که دران دوره در ایران معمول بوده ، برقرار داشته شده ، اما کلمه خدا بصورت ، خدا ، درج شده . بظن غالب این نسخه در یکی از خطه ها رونویس شده باشد که آنجا تفریق میان دال و ذال در نظر نمی داشتند ، مثلاً در ما وراء النهر یا بعضی جایهای خراسان که بنیاد پگفته شمس قیس رازی در المعجم فی معاییرا شعارالمعجم ، درین منطقه ما این تفریق نه کرده اند . در هندوستان نیز ذال معجمه اکثر بکار برده نمی شد .

۲- در جمع بشن کلمات غیر ذوی المقول مخوم بهای غیر ملحوظ پس از حذف ما علامت جمع (ها) افزوده شده ، و این صورت دران دوره ها خیلی متداول بوده ، مانند زدها (= مرده ها) ، میوه های بهشتی (= میوه های بهشتی)
۳- چ - گ بصورت ج - گ نوشته شده ؛ اما پ و ژ بهمین صورت نگاشته شده .

۴- کاف بیان ، کاف کدامیه ، کاف موصول بصورت ، کی ، نوشته شده ، مانند : کے بنیاد عمر ، کے زیر چرخ ، کے اسباب جنہاں ، کے سے خون دل ، کے کلام بخشی ، من کی سر در نیاورم ، من کہ ہاشم دران حرم کی صبا ، ساقیا

نام ميم ده کی نگارنده غيب ، کے شہيدان کے اند اين معہ ، الله الله کی تلف کورو کی اندوخته بود ، از گاش زمانه کی بوی وفا شنيد ، مراد دل ز کی جويم ؛ با و بابت اين در بعضی جا کف بصورت آهه ، آمدہ ، راج روح کہ و پيمان ده پيمانہ کيست ، يا کہ قصر اعل سخت سست بنياد ، کہ ما دو عاشق زاريم ، دوران زمين کہ نسيمي ، يار بادہ کہ اما زانک ، آنک ، چنانک بهمين صورت يافہ مي شود و بنده همين صورت را در متن برقرار داشته ام .

۵- چه بهمين صورت آمدہ نہ بصورت ، چي ، کہ در قديم معمول بوده است ، مثلاً : از چه سفلہ پرور شد ، چه بگويم .

۶- در کلمات مختوم بہ های غير ملحوظ در حالت مضاف علامات اضافت بشكل ، يا ، آمدہ ، مانند : کرشمہ حسن ، جامہ دلق ، کرشمہ وصلش ، طرہ دوست ، و ہم چنين در صورت لطيفہ عشقم ، کنگرہ عرش ، پروانہ کيست ، کاشانہ کيست ، صفيہ هستي ؛ تکبر با وحدت بصورت همزه بکار برده شد مانند : گلہ از دل شيدا ، عشق در هر گوشہ افسانہ خواند زين ، کہ آدمي بچہ شيوہ پري ، جامہ بود کہ برقلمت او دوخته بود ؛ همچنين ياي خطاب مانند : کمتر از نہ .

۷- اکثر علامات اعراب علی الخصوص فتحه و ضمه روی حرفهاي الفاظ گذاشته شده است . اين ازين لحاظ خيلي سود مند است کہ بدینطور می توان تلفظ دقيق آن دوره را دريافت .

۸- کلمات مرکب اکثر جدا جدا نوشته شده است مانند يك رنگ ، شاه باز ، بے وفائي ، بے کسی ، آب رو ، گناه کاران ، ره روی ، سپاه دلی ، کل گشت ؛ اما بعضی کلمات پیوست نوشته شده مانند : رستگاری ، ميخانه ، دلشاد ، صبحگاه ، بزمگاه ، سنگری . می از فعل اصلی جدا آمدہ ، اما نه ، همراه فعل نوشته شد ، الف ، است ، بر افتاده است و اکثر با لفظ ما قبل پیوست درج شده ، مانند ادیست ، غریست ، مستغنیست . همچنين الف ، اند ، نیز اکثر

افزاده مثلاً: رهند، بی گنهند، پادشهند، بی کلهند، دل میبند .
 ۹- از نوشتن همزه در کلمات مانند: طائر، مایل، لایق، ملایک، آیین
 نباید، آینه و غیره خودداری شده .

۱۰- در صورتی که «یا» مصوت بلند واقع شده زیرش يك خط عمودی
 یاریك کشیده شده .

۱۱- بای اضافه همیشه همراه کلمه آمده مانند: بآب، همچنین بای زینت همراه
 فعل آمده نه جدا: مانند یارد:

۱۲- گاهی زیر حرف ح علامت ح کوچك، حرف ع علامت ع، حرف
 س علامت س، و حرف ی دو نقطه گذاشته شده، اما این روشن استثنائی
 است .

اعبیت ۴۷ غزل که شامل مجموعه متووخ ۸۱۳ هـ باشد، از جهانی چند
 است، مثلاً:

۱- چنانکه معلوم است این غزلها ترتیب تهجی ندارد، ازین واضح می شود که
 نسخه دیوان که از آن این غزلها انتخاب شده ترتیب الفبائی نداشته و در همین
 دوره مجموعه دیگری تهیه شده که غزلهایش بترتیب تهجی نقل شده . بنابراین
 واضح است که دیوان حافظ بدو نوع ترتیب یافته، یکی بترتیب الفبائی و دیگری
 بدون این ترتیب . این هم ممکن است که ترتیب اول الفبائی نبوده و بعد ازان
 نسخهای تدوین شده که ترتیب تهجی داشته؛ باید علاوه نمود که فقط غزلیات همین
 مجموعه ترتیب الفبائی نداشته بلکه مجموعه لطایف و سفته ظرایف ۱ از سیف
 جام هروی که در اواخر قرن هشتم تا ده اول قرن نهم تألیف شده، و شامل

۱- این مجموعه آن وقت شروع شده که فیروز تغلق (م: ۷۹۰) در قید حیات
 بوده و افلا تا آن دوره ادامه داشته که سلطان مبارک شرقی (م: ۸۰۳)
 زنده بوده . دو نسخه ازین مجموعه مکشوف شده، یکی در موزه برتانیه، لندن،
 (فهرست ریو، تمه ۳۸۴) و دیگری در کتابخانه دانشکده ادبیات کابل .

۱۳۷ غزل ۱ از حافظست که آنها نیز ترتیب الفبائی ندارد. خلاصه اینکه این غزلها و غزلهای شامل مجموعه اطایف در تصحیح و تدوین دیوان انتقادی حافظ سهم فراوان می دارد، و این اطلاع برای محققان دیوان حافظ موجب خوشحالی و شادمانی خواهد گردید.

۲- اگرچه همه غزلیات در نسخه قزوینی شادمانست، اما بعضی ابیات شامل این نسخه را علامه قزوینی الحاقی قرار داده، مثلاً درباره بیت زیر:

آنکه چون غنچه لبش راز حقیقت نهفت

ورق خاطر ازین نکته محشای کرد

نظر عجیبی دارد: «در حاشیه، خ، (نسخه خلخالی) بخط الحاقی و نیز در غالب نسخ جدید به بیت ذیل را اینجا اضافه دارند، آنکه چون الخ، ولی در اصل «خ، و در «ق، و «س، و سایر نسخ قدیمه از بیت مزبور اثری نیست».

نسخه خلخالی مورخ ۸۲۷ ه است و نسخه های ق و س و غیره نسخه های خیلی بعد از خلخالی است و مجموعه ای که شامل این غزل و بیت مزبور است مورخ ۸۱۳ ه است، بنا برین از اوضح و اضعاف است که نظر قزوینی از اعتبار ساقط است.

غزلی بمطلع زیر:

منم که دیده بدیدار دوست کردم باز الخ.

شامل ۱۱ بیت است: قزوینی دو غزل در همین زمینه دارد: یکی از آنها شامل پنج بیت ازین غزل و دو تمین شامل ۴ بیت ازین غزل، جمعاً ۹ بیت در

۱- بنده در یکی از مقالات بعنوان 'A very old Source of Hafiz's ghazals' اندوایرانیکا، کلکته، جلد ۲۹ سپتامبر ۱۹۶۶، فهرست همه غزلها را انتشار داده ام.

قزوینی موجود است و دویست زیر :

يك دو قطره كه ايشار كردی ای دیده الخ
من از نسیم سخن چین چه طرف بر بدم الخ

اصلاً موجود نیست و این دو بیت در نسخه شخصی ما در میان غزل
بهمن زمینه موجود است . باید علاوه نمود که غزل بمطلع زیر :

صبا بمقدم گل راح روح بنشد باز

کجاست بلبل خوشگویی گو برآر آواز

در آصفیه موجود است و در قزوینی شامل نیست و بنابراین آقای قزوینی
این را الحاقی قرار داده و از نسخه خود خارج نموده و اشعار این غزل در
دو غزل شامل نسخه شخصی بنده وجود دارد . غرض درباره اصالت این
غزل هیچ شکی باقی نمی ماند و بدین جهت قول زیر آقای قزوینی به پایه
اعتبار نمی رسد :

• چون نسخه ۱۰ خ. که در سه ۸۲۷ کتابت شده عجله تا نسخه قدیمتری
از آن بدست نیامده . آنرا باید قدیمترین نسخ موجوده تاریخ دار دیوان حافظ
در دنیا محسوب داشت . لهذا من خود را ملزم و مقید کردم که در خصوص
کمیت اشعار یعنی از لحاظ عدده غزلیات و عدده ایات هر غزلی از ابتدا تا
انتهای کتاب فقط و منحصرأ همان نسخه را اساس کار خود قرار دهم و
هرچه در آن نسخه موجود است از غزلیات و مقطعات و مشوایات و رباعیات
تماماً و بدون هیچ زیاده و نقصان آنها چاپ کنم و هرچه در آن نسخه
موحود نیست خواه غزلیات مستقل خواه ایات متفرقه بعضی غزلها یا غیر ذلك
آنها را مطلقاً کالعدم انگاشته بکنی از آن صرف نظر نمایم ، زیرا که چون این
نسخه نسخه کامل تمامی است از دیوان خواجه و خلاصه و انتخابی از آن
نیست پس هرچه درین نسخه نیست با احتمال بسیار قوی بلکه تقریباً بنحو قطع

و برخی اشعار دیگر است که بعدها در دیوان خوانده و داخل گردیده اند. علاوه بر این نسخه خط آقای ویرایی خط است و در آن که بعضی اشعار و اشعار معروف که در آن نسخه از آن اشعار خارج شده و در نسخه حاضر دیوان قدیمی شده اند و اگر کسی که از نسخه حاضری استفاده کند، موجود و بعضی اشعار معروف که خارج شده در نسخه قدیم و تاریخ ۸۸۳ هـ شامش.

چهار نسخه آمده و تاریخ ۸۸۵ هـ است و این نسخه پنج غزل از غزلیهای این مجموعه را شامل است؛ همچنین یک غزل دیگری از این مجموعه در نسخه که شماره و تاریخ ۸۸۴ هـ نیز شامل آن است؛ از این صورت محققان حافظ از مسئله مهم و دشوار دچار می شوند.

۴- ترتیب اشعار غزلیهای این مجموعه از ترتیب اشعار دیوانی مختلف است؛ همچنین ترتیب اشعار در نسخه های دیوان نیز تفاوت دارد؛ این صورت نسبی را از شکل می برد چهار می کشد و واضح می کند که هنوز ترتیب دیوان حافظ بدرجه کمال زنده است.

۵- از مقایسه اشعار این مجموعه با اشعار دیوانی واضح می شود که نسخه قدمت نسخه موجب رجحان و برتری نمی باشد.

پداسکه ذکر شده مجموعه مورد شامل ۴۷ غزل حافظ است بدینقرار:

حرف ا	۱	م	۳
ت	۶	ن	۲
د	۳۰	و	۲
ز	۱	ی	۱
ز	۱		

مجموعاً ۴۷ غزل

چهارم سوره غزلها

- ۱- سالها دل مایل به جام جم از ما می نگر:
- ۲- بنال بایل اگر بامدت سر پادوست
- ۳- تر موج صحرای و من شمع خلوت صحرای
- ۴- چو شوم خاک بر عشق دامن روشد و من
- ۵- ای که مهرجوی عشاق روا می داری
- ۶- اگر آن نرگ شیرازی بدست آرد دل ما را
- ۷- دل سرایده محبت دوست
- ۸- یا که قصر امل ساخت دست بنیادست
- ۹- اگر چه عرض هنر پیش یار بی ادبست
- ۱۰- یارب این شمع شب افروز ز کاشانه گیت
- ۱۱- دیدی ای عشق غم یار دگسر یار چه کرد
- ۱۲- روی بنمای و وجود چو دم از یار ببر
- ۱۳- فاش می گویم و از گفته خود و شادوم
- ۱۴- حاصل کار که کون و مکان این همه نیست
- ۱۵- بر جام جم آنکه نثار توانی کرد
- ۱۶- دست در سلفه آن زلف دوتا نتوان کرد
- ۱۷- یا که نرگ ملک خوان روزه غارت کرد
- ۱۸- آنان که خاک را بنظر کیمیا کنند
- ۱۹- ما بدین در نه پی شمت و جام آمده ایم

- ۱۱- نامی که علیه نمایندگی و جادو خود دارند
- ۱۲- هر آنکس که طلب لغز و یا اسبگ دارد
- ۱۳- اگر بوم ز پیش الله عارف نگردد
- ۱۴- در اول پرنوختنش بر نهفتن دم و...
- ۱۵- روشی که در صورت اسب باز باز من باشد
- ۱۶- در کف خیال و نظری روشی که در کف باشد
- ۱۷- منو که در کف یا در کف دوست گیرد باز

نقار احمد

استاد دانشگاه اسلامی

عابگیر

۳۰- اکتبر ۱۳۸۸ م

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

غزلیات حافظ

{رقی ۲۰ - ۱}

سالها دل طلب جام جم از ما می کرده
 آنچه خود داشت ز یگانه تماشا می کرد
 کوهری کز صدف کون و مکان بیرون بود
 ملک از گمشدهگان از دورا می گریه
 مشکل خویش بر پیر مغان بر دم دوش
 کسو نباید نظار حاصل معاشی کرد
 دیدمش خرم و خوش دل ۲ قدح باده بدست
 و اندران آنچه صدد گزوه تماشا می کرد
 گفتم این جام جهان بین به کی داد حکیم
 گفت آن روز که این گنبد مینا می کرد

۱- قزوینی این دو بیت اضافی دارد :

صلی الله علیه و آله و سلم را می بود از این تپاشی و از دور خدا را می کرد
 از همه شعله خویش که میکرد اینجا سامری پیش عصا و بند بضا می کرد
 و این هر دو بیت در نسخه گورکهنور نیست .

۲- قزوینی : بر پشت : گورکهنور : کوهری را که برورد بسا در همه عهد .

۳- قزوینی : خندان .

گفت ۱ آنکه این را در کتب معتبره نیافتم.

چونش این ۲ است که اسرار و اسامی کرد

وین روح القدس از یار ۳ دود فریاد است

دیگسرای هم بکشد آنچه در میان می آید

آنکه ۴ چون غنچه لبش را از حقیقت انبساط ۵

ورق خفاکار ازین نمکته بحشامی کرد

افشای زلف چو زاجیر ۶ دل ازین چست

گفت حافظ کلمه از دل شیدا می کرد

ایضاً

باز ۷ بللی اگر بامت ۸ سر یاریست

که ما دو عاشق زاریم و کار ما زاریست

۱. فروزی و گورکهور : گفت . ۲. گورکهور : آن .

۳. فروزی و گورکهور : اریز.

۴. فروزی و گورکهور این بیت را دارند : علامه فروزی در اول این بیت نظر عجیبی

دارد . ۵. حاشیه رخ . ۶. حاشیه اخفی و بز در عقب نسخ جدید بیت ذیل را اینجا

اضافه دارند : آنکه چون غنچه دامن الخ ولی در اصل خ و ورق و من و سایر نسخ

قدیمه : است مزبور ازین است . نسخه حاشایی رخ . مکتوب ۱۲۷ هـ است : و

مجموعه که در آن این بیت موجود است در سال ۱۲۱۳ هـ نوشته شده : سایرین و انجمن

کتابخانه آملی فروزی در حاشیای قرآنی در این بیت سرسری بداند و از اعتبار

حافظت . این بیت اصل حافظت . ۵. حاشیه فروزی : بهجت

۶. گورکهور گفت چو زاجیر باشد . فروزی : سلسله زنجیران .

۷. فروزی و گورکهور بیت زیر اضافی دارند :

حال زلف تو چنان کارم شاد است . که زب سلسله زلفی طریق عیار است

در اصفیه و گورکهور بیت : زنجیران خروقت الخ یافته .

۸. نسخه اصل : است .

ایضاً

[۱۲۱ بیت] تو همچو آفتابی و من شمع و ماه و ستاره
 نیت می کن و جان من که چو کوه می
 چو که در سال من باغ باغ است
 دشت را ز شود توینم چو در کتوم
 بهر نظر و تها جاده می کرد شیکن
 کسی این گرفته اند وید که من می نگرم
 چه شکر گریخت ای خیل غم عفاك الله
 که روز پی کسی آخر می روی ز سرم
 غلام مردم چشمم که با نیاه دلی
 هزار قطره سار و چو درد دل شعرم
 بر آستان امیدت ۲ نهادم ام در چشم
 که يك نظر فکستی خود فکستی از نظرم
 بفاك حافظ اگر یار یگسار چو ن یاد
 ز شوق در دل آن تنگنا کفن بدم

ایضاً

چون ۲ توام عفاك و من دامن بفاك ز من
 در یگسارم دل بگردان رو بگرداند ز من
 روی رنگین را بپرکس می دارد همچو گل
 در یگسارم باز پوشان باز پوشاند ز من

۱. فروزی: بر آستان مرادت گشاده ام در چشم .
 ۲. در آستان این غزل ایضاً ، در فروزی و گورکهرود بیت زیر اضافه دارد :
 گر چه فرهادم بتلخی جان برآید باك نیست پس حکایتی شهرین باز می ماند ز من

او بدو را بشد و من و انش ۱ بصورت شده
 کز دستم ازو پیدا شد بسازد ز من
 چشم خود را گشاید آخر باک نظر سحرش بین
 کف من خرمی مگر ۲ جوی خود داد ز من
 کز چشمش زبان بوم برغم خود ۳ چرخ
 دور برده ۴ خاطر دلت بچراست ز من
 دوستان جان دادم از بهر ۵ دعایش بشکریست
 کز بچری مختصر چون باز می ماند ز من
 ختم ۶ کن حافظ که کز زین دست باشد درس غم
 عشق در هر گوشه امانت خواهد زد من
 ایضاً

ای که ۴ مجبوری عشاق روا می داری
 بدکان ۵ را ز بر خویش جدا می داری
 دل پریدی ۶ و بعل کردمت ای جان لیکن
 به ازمین دار فکامش که مرا می داری
 مسافر ما که حریفان دگر می پوشند
 ما تا بچشم ننگینم از تو روا می داری
 ای دگر حضرت - بروج - حولا - که است
 عرض خود می یری و زحمت ما می داری

-
۱. فروزی: خدای شود. ۲. فروزی: دانه آم. بهر. ۳. فروزی: صبر.
 ۴. در گز. کبر. و فروزی: آسمیه. مانند مثل این غزل داری: حضرت بیت است. اما
 آیت: ایستاده دای به گاه یکم است. یعنی ۲۰۲، ۴، ۵، ۶، ۷.
 ۵. فروزی: عاشقان. ۶. فروزی: پریدی.

تو تفسیر حدود افلاکی ازین در محروم
 از که می دانی و فریادت بجزای می داری
 نسیه داده را مسرور لایق در دست
 با میبندی که ازین ده بخدا می داری
 حافظ ۲ عالم طمع ازین نسیه ندارد
 کار را کرده ۲ چه امید عطا می داری

ایضاً

اگر آن ترک شیرازی بدست آرد دل ما را
 بخل مندوش پنجم سرفروغ و بخارا را
 بده ساقی می باقی که در جنت نخواهی یافت
 کنار آب زکات باد و گل گشت مصفا می را
 فلان کین اولیان شوخ شیرین کار شهر آشوب
 چنان برزد جبر از دل که ترکان خوان ۵ یفا را
 و عشق نا تمام ما جمال یار مستغنیست
 بآب و رنگ و غل و غنط چه حاجت روی زیبا را
 دم گفتی و خرستم عفاک الله نکو گفتی
 جواب کسب می زبست آب لعل شکو حیا را

۱. نسخه اصل: کی: یعنی کاف کدایه را دادد کاف بیان نوشته.
۲. آرزوی: گور که بود: حافظ از پادشاهان یاره بخدمت طلبید: آصفیه مانند منی
۳. قزوینی: سخی نایره
۴. این قول در نسخه به نگاه به بیت دارد. در متن بیت زیر آمده:
 نصیحت گوش کن جاناکه از جان دوست نرود
۵. و بجای آن بیت سوم دوباره بعد از بیت ششم نقل شده.
 در متن دوبار خان بجای خوان.

- ۶ من ازان حسن دور افزون که یوسف داشت دانستم
که عشق از پرده عصمت بر من آرد و لبت را
۷ - دهرت از قطرب و منی گر و راز دهر کمتر جوی
که کسی ننگشود و شکستاید بحکمت این معنی را
۸ غزل گفتی و در سقنی یا و خوش بخوان حافظ
که بر افهام تو افتاد فلک عقد ترا را ۱

ایضاً

- ۱ دل مرا پرده معصیت اوست
دیده آیتیه دار طلعت اوست
۲ من که سر در نیلومم بسو کون
گسردنم زیر بار منت اوست
۳ تو و طوسی و ما و قامت یار
فکر هر کس بقدر معصیت اوست
۴ گر من آلوده دامنم چه عجب
منه عالم گواه عصمت اوست

- ۱ - قریب در هر سه نسخه بدینطور است : ۸، ۶، ۷، ۴، ۳، ۲، ۱
۲ - انجمن گیر که پیر فقط هشت بیت دارد (بحدف بیت عفتن) - آصفیه ماده ماز
داري نه بیت باشد ، به ترتیب ذیل : ۸، ۶، ۷، ۴، ۳، ۲، ۱
قزوینی این دو بیت اضافی دارد :
بس حیالت ماده منظم چشم زانکه این گوشه جای خلوت اوست
هر گز نو که شد چمن آرای ز اثر رنگ و بوی صحبت اوست

۵. در مصروف گذشت و مژگن است
 فسرگشی ریح دور نوبت اوست
 ۶. من که چشم زان حرم که جدا
 پیراهن^۱ زان حرم حرمت اوست
 ۷. من و دل اگر فدا شوم چه شد^۲
 غرض اندر میان سلامت اوست
 ۸. ماسکت عشق و شمع طرب
 هر چه دارم ز این صفت اوست
 ۹. نظر ظاهر من که حافظ را^۳
 سینه کینه صفت اوست

[۲۲ الف] ایضاً

- یادگار اهل سخت است بیادست
 یار باغ که بیادش عمر و یادست
 غلام صفت آنم که زیر جرخ کبود
 ز هر چه رنگ تعلقی پدید آیدست

۱. گور که بود: خاک بوس
 ۲. نسخه اصل: حافظ راست
 ۳. این غزل در نسخه آمده. گور که بود. قزوینی بیت زیر اضافی دارد:
 غم جهان بخور و پند من میرا زیاد
 که این لطیفه عشقم ز روی یادست
 اما در بعضی نسخه ها مانند مودت ملی ددلی و چاپ خاطری (ص ۸۵) : یارین
 انداخت که یکی از نسخه های اصل بوده. و از اشعار نقل آورده شده.
 ۴. گور که بود: ایام عدم

چه گوشت که بجهان دوش مست و خراب
 جروش عالم غم چه بود ما ؟ داشت
 که می شد نظر شاعر سرمد شیر
 نقیب نو نه این کنج محبت آرد مست
 راز نگاره عرش و برآمد صبر
 ندانست که درین دام که چه افتادست
 صبحر گشت پادشاه و در عین آرز
 و این ۳ لطیفه عشقم ز ده روی یادست
 معجز درستی عهد از جهان مست نهاد
 که این ۴ معجزه عروس هزار دامادست
 رضاء بداده پند و زجین گهر یگشای
 که بر من و تو در اختیار نگشادست
 نشان عهد و وفایت در چشم گل
 بنال بلبل عاشق ۶ که جلی قیادت

۱. گورکپور : مست خراب .

۲. در دستویسهای قدیم در جمع سخن اسامی غیر ذوقی القول که در آخر
 هر غیر محفوظ داشته ، بعد از حذف ها علامت جمع [ها] اضافه می
 کردند ، اما اکنون های مختلفی را باقی گذارده .

۳. این مصراع در هر سه نسخه مصراع دومین از یکی که در بین نسخه
 اندکی دارد یعنی غم جهان مشغول الخ ، و جایش مصراع زیر آمده :
 که این حدیث از پیر طریقتم یادست

۴. قزوینی : این معجزه .

۵. در قزوینی این بیت پس از بیت ۳ معجز درستی عهد الخ آمده ، اما در
 گورکپور و آصفیه مانند متن پیش ازین بیت آمده .

۶. قزوینی : بنال ، اما آصفیه : گورکپور : مانند متن : عاشق

مرا چه می روی ای هست انعام بر حافظ
فزون خاطر و لطف سخن جدا دادست

ایضاً

۱. اگر چه ۲ عرض مژپش یار بی ادبیت
زبان خنوش و لیکن دهان یراز عربیت
۳. سبب میرس که چرخ از چه سفله پروز شد
که کام بخشی اورا بهانه بی سببی ست
۴. بسم سو خرم طاق خاتمه و رباط
مرا که مصطفی ایران و پای خم طنبیت
۵. جمال دختر روز نور چشم ماست مگر
که در نقاب زجاجی و پرده غیبیت
۶. دوی درد بخود اکنون ازان مفرح جوی
که در صراحی چینی و شیشه ۳ طنبیت
۷. درین جهان کل بی خار کسی نمی چید
چراغ مصطفوی با شرار بولبیت

-
۱. قزوینی بیت زیر پیش از مقطع اخلاقی دارد :
مزار عقل و ادب داشتم من ای خواجه
که تون که هست خرابم صلاح بی ادبیت
 ۲. ترتیب اشعار در قزوینی و گوردکیپور متفاوتست : در اول الذکر «دینقرار است» :
۱) ۷، ۶، ۳، ۴، ۵، ۸ بعد از بیت پنجم : در گوردکیپور بدین ترتیب آمده :
۱) ۷، ۶، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸
 ۳. گوردکیپور : شاعر .
 ۴. قزوینی : چند آری : آصفیه مانند منی نمی چید .

۷. دریافته روح و دیو در آفریده ۱ حسن

سوخت دیده ۲ و حیرت که این چه توانا هست

پس از داده ۳ که حافظ و دانش استظهار

بگشاید محرابی و باز آید شربت

ایضاً

۱. یاربه این شمع شب از روزی زکاشانه کیست

جان من سوخت بزمید که جفا کیست

۲. دولت صحبت آن ۷ شمع سعادت بر تو

باز پرسید خدا را که پروانه کیست

[۲۲ ب]

۳. حالیا خانه برافراز دل و دین منست

ناله هم آغوش که می باشد و دهانه کیست

۴. می دهد مرکبش افروزی و معلوم نشد

که دل نازک او مایل افانده کیست

۱. انداز: دریافته رخ خویش در گشوده حسن: بعضی نسخه ها در: در گشوده

و ناز: ۲. گورکهور: دیده حیرت +

۳. گورکهور: فروزی: بیاز می که چو

۴. گورکهور: معلوم: فروزی: هزارم +

۵. نزدیک آیهات این غزل در نسخه ها تفاوت دارد: نزدیک آصفیه و نزدیک بهار

ذیل است: ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، گورکهور: ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷ +

۶. گداخت در آصفیه: فروزی و گورکهور: دل فروز +

۷. گورکهور: آصفی: این +

۸. گداخت در آصفیه و گورکهور: فروزی: ناله آغوش که می باشد +

۵. درمیان آن ماه و منی شاه و منی زهره ۲ حس
 گور بگفتنی که و گور بک دادند گیس
 ۶. سادۀ اهل نفس گیس لب من دور ساد
 راج روح که و پیمان ده و ۳ بیافیه گیس
 ۷. گیس لب که از دل دیوانۀ حافظ بی تو
 بر لب حرم زان گیس که دیوانۀ گیس

ایضاً

۱. دیدی ای دل که غم عشق دیگر بار چه کرد
 چون بشد دل و با بار وفا دار چه کرد
 ۲. آه از آن رگس جادو که چه بازی انگیزست
 و نه از آن هست که با مردم عشیار چه کرد

-
۱. هر سه نسخه : شاه و منی ماه و منی
 ۲. گور که بود : مهر فروز
 ۳. فروزی : پیمان ده پیمان : اما گور که بود و آصفیه مانند منی : پیمان ده و پیمان
 در مجموع نسخه گور که بود ص ۸۱ در حاشیاء افزوده شده : ضبط نسخه
 مودۀ مانی دعل و ستاکس زبان منی می باشد ولی در سایر نسخ خطی
 و چاپی که بنظر رسید عبارت این صورت است : پیمان ده پیمان : و
 ظاهراً صحیح همین است : اما این حدس صحیح نیست . منی اهل " پیمان
 ده و پیمان " بوده است
 ۴. ترتیب اشعار این قول در نسخه ها یکسان نیست . ترتیب آصفیه و گور که بود
 : فروزی بقرار زیر است : ۱ ، ۲ ، ۴ ، ۳ ، ۱۵ ، ۱۶ ، ۷
 ۵. آصفیه : ده
 ۶. آصفیه ، گور که بود ، فروزی : آه : خانلری : واه ، اشار : آخ

- ۳ برقی از منزل لیلی بدو خشد سحر
به که با خرمن مجنون دل افکار چه کرد
- ۴ اشک من رفدگ شفی یافت ز ای مهری یار
طالع بی شفقت بین که درین کار چه کرد
- ۵ سافیا جام میم ده که نگارنده غیب
نیست معلوم که در پرده اسرار چه کرد
- ۶ آنک پر نقش زده این دایره میثائی
کس ۲ ندانست که در گردش پرکار چه کرد
- ۷ فکر عشق آتش غم بردل حافظ ۲ زد و سوخت
یار درین پیشتد که با یار چه کرد

ایضاً

- ۱ روی ۴ بتدای و رجود خردم از یاد میر
خرمن سوختگارا همه کوه باد میر
- ۲ ما چو دادیم دل و دیده بطوفان بلا
گو یا منیل غم و خانه ز بنیاد میر
- ۳ سینه گر شعله آتش کدده پارس بکشد
دیده کوه آب رخ دجله بغداد میر

۱. گورکهور : زدی دایره الخ .

۲. آینه : نیست معلوم .

۳. گورکهور : دل حافظ می سوخت .

۴. در آصفیه بیت سوم و در گورکهور بیت هشتم نیامده ؛ ترتیب در آصفیه : ۱

۲ ، ۳ ، ۴ ، ۵ ، ۶ ، ۷ ، ۸ ، ۹ (بجای بیت سوم) ؛ گورکهور : ۱ ، ۲ ، ۳ ، ۴ ، ۵ ، ۶ ، ۷

۸ ، ۹ (بجای بیت هشتم) ؛ آروزی : ۱ ، ۲ ، ۳ ، ۴ ، ۵ ، ۶ ، ۷ ، ۸ ، ۹ ، ۱۰

۱. رفت چون مهر جانان از بهر دست حیات
ای دل خام طمع این معنی از یاد است
۲. موی بی گشت در گمان درازت بگشتم
بارب از خاطرات اندیشه سداد و بر
۳. معنی نازده درین راه بهشت اوست
مزد انگیز میطابق طلعت استار بر
۴. روز مرگم انجمن وعده دیدار بده
و انگیز تا بلعد فارغ و آزاد بر
۵. دولت بر معشای من که باقی سباحت
دیگری گو بود نام من از یاد بر

[۲۳ باب]

۱. حافظ اندیشه کن از انزکی خاطر دار
برو از درگش این ناله و قریاد بر

ایضاً

۱. فاش ۲ میگویی و از گفته خود داشادم
بندۀ عشقم و از هر دو جهان آزادم
۲. طایر کاشی قدسم چه دم شرح فراق
که درین دامگه حاذقه چون افتادم

۱. آصفیه : خامت .

۲. کورکپور : وانگیزی

۳. عدد شمار این غزل در هر سه نسخه یکسان است ؟ نزدیک اشعار در کورکپور و قزوینی یکسان است ؟ و در این مورد نسخه دست عظم بیت پنجم قرار یافته ؟ نسخه قریب آصفیه بدینطور است : ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۰

- ۳ من ملك بودم و سرواوس برین چارم بود
آدم آورد درین دیو خرافات آندم
- ۴ سابه علوی و دلجوی حور و لب حوض
بهرای سرگشی نو برفت از یادم
- ۵ کز کعب بخت مرا هیچ منتهم شناخت
یارب از ملذذ گیتی بچه طالع زادم
- ۶ تا دلم حلقه بگوش در میخانه عشق
مر دم آید غمی از نو ببارك يادم
- ۷ نیست بر لوح دلم جز الف قیمت دوست
چه کنم حرف دگر یاد تداد استادم
- ۸ می خورد خون دلم مردمك چشم و سزااست
که چرا دل پیگر گوشه مردم دادم
- ۹ پاك كن چهره حافظ بر زلف زاشك
دیده این سیل دما دم برد بنیادم

-
- ۱- گورکپیور : فطرت .
۲- گورکپیور : میخانه دل .
۳- گورکپیور : سر خط لوح دلم .
۴- گورکپیور : الف قد تو نیست .
۵- گذاشت در آغوش : فروزی و گورکپیور : مردمك دیده - سزااست .

ایضاله

- ۱ حاصل این کار که آفرین و مکان این همه نیست
مانند پیش آنکه اسباب جهان این همه نیست
- ۲ در دل و جان شرفی و محبت جانان عظیم است
همه از بس که در گره دل و جان این همه نیست
- ۳ درخت سدره و طوبی ز پی سایه مکش
که چو خوش بگری ای سرو روان این همه نیست
- ۴ درگاه نیست که بی خون دل افتد ۳ بگذارد
ورنه یا سعی عمل باغ جان این همه نیست
- ۵ پنج روزی که درین مرحله مهلت داری
خوش بیاسای زمانی که زمان این همه نیست
- ۶ بر لب بحر فنا منتظریم ای ساقی
فرستی دان که ز لب تا بدعان این همه نیست
- ۷ دود مندی من سوخته زار و زار
ظاهرا حاجت تفریر و بیان این همه نیست

- ۱ این غزل در گورکهور و آصفیه هشت بیت دارد : درین حدود نسخه بیتهای
مقام و هشتم بافته و بجای آنها بیت زیرین نقل است :
زاهد ایمن مشو از بازی غیرت ز نهالو
که ره از صومعه تا دیر فغان این همه نیست
- و نسخه قزوینی نه بیت دارد ، اما بجای بیت فوق : زاهد ایمن مشو الخ
دارد . ترتیب اشعار این غزل تا بیت هشتم در هر سه نسخه یک است ؛ در
آصفیه و قزوینی و گورکهور بیت هشتم قرار بیت اضافی یافته اما در قزوینی
بیت هفتم متن بیت هشتم قرار دارد .
- ۲ قزوینی : غرض : آصفیه و گورکهور مانند متن : همه ۳ قزوینی : آید .

- ۸ از نهنگ! مکن اندیشه و چون گل خوش باش
زانکه تمکین جهان آفران این همه نیست
- ۹ نام حافظ رقم نیک پذیرفت ولی
پیش راندان رقم سود و زیان این همه نیست

ایضاً

- ۱ بستر ۲ جام جم آنکه نظر توانی کرد
که خاک یکد کجلی بصر توانی کرد
- ۲ ماش می می و مطرب که زیر طاق سپهر
بدین نراه غم از دل بدر توانی کرد
- ۳ گل مراد تو آن دم نقاب بگشاید
که ... از کرد

- ۸ از نهنگ! مکن اندیشه و چون گل خوش باش
زانکه تمکین جهان آفران این همه نیست
- ۹ نام حافظ رقم نیک پذیرفت ولی
پیش راندان رقم سود و زیان این همه نیست

ایضاً

- ۱ بستر ۲ جام جم آنکه نظر توانی کرد
که خاک یکد کجلی بصر توانی کرد
- ۲ ماش می می و مطرب که زیر طاق سپهر

۱. کمرانی در مبحثه مخلوقه اکثریت
۲. گر این عمل بکمی خاک در توانی کرد
۳. بزم در حلقه فریب پیش ده قدمی
۴. که سود ما کنی از این سفر توانی کرد
۵. تو از برای طبیعت سعی روی بیرون
۶. کجا بکوی حقیقت گذر توانی کرد
۷. جمال بار نداده نقاب و پرده ولی
۸. غبار و بهشت تا نظیر توانی کرد
۹. گرت ز نور ریاضت خیر شود حافظ
۱۰. چو شمع خنده زان نرگ سر توانی کرد
۱۱. ولی تو طالب معشوق و جام می خواهی
۱۲. ظمع مدار که کار دگر توانی کرد
۱۳. ایضاً

۱. دست در حلقه آن زلف دوغافتنوان کرد
تکبیر عهد تو و باد صباقتوان کرد

-
۱. آصفیه و گورکهور و فروزی . عشق .
 ۲. فروزی : بکوی طریقت .
 ۳. آصفیه و فروزی : بکوی طریقت . گورکهور : بکوی ریاضت .
 ۴. آصفیه و فروزی : دلا ز نور هدایت گور آگهی یاسو (آصفیه : نور ریاضت)
 ۵. حدیث اشعار این منزل در هر دو نسخه ده است . اما ترتیب اشعار تفاوت دارد . ترتیب آصفیه و گورکهور بدینقرار است : ۱. ۲. ۳. ۴. ۵. ۶. ۷. ۸. ۹. ۱۰. فروزی : ۱. ۲. ۳. ۴. ۵. ۶. ۷. ۸. ۹. ۱۰. نسخه گورکهور : ۱. ۲. ۳. ۴. ۵. ۶. ۷. ۸. ۹. ۱۰.

- ۲ آنچه دوستی من در طاعت بهمانست
- این قدر محبت که تغییر فضا نتوان کرد
- ۳ دامن دوست بصد خون دل افتاد بدست
- بنسوس که کرد خصم رها نتوان کرد
- ۴ غیرتم گشت که محبوب جهانی لیکن
- دور و شب غریبه اخلاق خدا نتوان کرد
- ۵ عارضش را محال در ملک نتوان گفت
- نسبت باره بر بی سرو پا نتوان کرد
- ۶ سر لای من آن ۲ اعطای که این رسام
- چه محل جامه جان را که قیاس نتوان کرد
- ۷ چاه بگویم که ترا در کی طبع لطیف
- تا بحدیث که آمده دعا نتوان کرد
- ۸ مشکل عشق نه در حوصله دانش ماست
- حل این نکته بان فکر خطه نتوان کرد
- ۹ نظار پاک تدوان ۷ در رخ جانان دیدن
- که در آینه نظار جز بصفایت نتوان کرد
- ۱۰ بجز آبروی تو محراب دل حافظ نیست
- طاعت غیر از در مذعوب ما نتوان کرد

-
۱. آصفیه و قزوینی : گور کهور : نتوان خواند.
 ۲. قزوینی : دوست : آصفیه : گور کهور : مانند من :
 ۳. گور کهور و قزوینی : آنگه : آصفیه : آن دم :
 ۴. گور کهور و قزوینی :
 ۵. گور کهور : ملول :
 ۶. گور کهور و آصفیه : بین
 - نکته بدین : آصفیه : آن نکته بدین
 ۷. آصفیه و گور کهور : تواند رخ جانان : قزوینی : مانند من :

ایضاله

۱. یا که ۱ رک فلك جوان روزه غارت کرد
خلال عهد مدور قمدح اشارت کسرد

[۲۵ نمه]

۲. خواب روزه و حج قبول آنکس بُرد
که خاک میکند عشق را زیارت کبرد
۳. مقام املی ما کسوشه خرابات
خدایش خیر دهد آنک ۲ این عمارت کرد
۴. نماز درغم ایسن ۲ ابروان محرابی
کسی کند که بخواب ۴ دل طهارت کرد
۵. بهای باده چون لعل بیست جوهر عقل
یا که سود کسی برد کین تجارت کرد

-
۱. آصفیه و قزوینی بیت زیر اضافی دارد :
بروی باز نظر کن ز دیده منت دار که کار دیده نظر از سر بصارت کرد
ترتیب شمار آصفیه بدین قرار است : ۱. ۲. ۳. ۴. ۵. ۶. ۷. و بجای بیت ۴ این
بیت پیش از مقطع آمده :
اگر امام جماعت طلب کند امروز
 - و این بیت در قزوینی نیز شامل نیست . ترتیب قزوینی : ۱. ۲. ۳. ۴. ۵. ۶. ۷.
 ۷. ترتیب نسخه گورکهور مانند متن است .
 ۸. برونو . عدد . اما در هر سه نسخه : دعاد کیدا فی المتن .
 ۹. قزوینی : آن .
 ۱۰. قزوینی : بخون جگر .

۶. هفت که برگش چنان شایخ شید از روی
 نظر مشرق کشید از سر سعادت کرد

۷. حدیث عشق ز حاکم شایخ از دست

اگر چه سعادت بدست در سعادت کرد

بیت‌ها

۱. آنان ۲ که خاک را بنظر کیبیا کشید
 آید بود که گویا چشمتی عا کشید

۱. گور کعبه : مشهور .

۲. نسخه قزوینی در س غزل ۱۲ بیت . نسخه آصفیه پاره و نسخه گور کعبه
 ده بیت دارد . پنج بیت اضافی قزوینی بقراو زیر است :

معشوق چون آفتاب ز رخ در معی کشید

هر کس حکایتی به دستور چرا کشید

می خور که صد گاه ز اغیار در حجاب

بهر ز طاعتی که سرای در کشید

براهنسی که آید از بسوی یوسف

فرست برادرش غایبش قبا کشید

نگار نقوی بکشد تا زمره حضور

اوقات خود ز بهر تو صرف دعا کشید

نهان ز حاسدان بخودم خوان که متعبان

خبر نهان برای رخسای خدا کشید

۳. نسخه چهار بیت اول در آصفیه و سه بیت اول در گور کعبه یافته می شود

نویس آصفیه ۱. ۵. ۴. ۳. ۲. ۱. و در میان چهار بیت اضافی دارد .

نویس قزوینی ۱. ۵. ۴. ۳. ۲. ۱. و در میان آنها پنج بیت اضافی .

نویس گور کعبه ۱. ۴. ۳. ۲. ۱. ۵. ۴. ۳. ۲. ۱. و سه بیت اضافی در در میان .

- ۲ دردم نهاده به ز حسیبان مدعی
باشد که از حرامه لطیفش آید گسسته
- ۳ چون حس حکایت ۲ که بر روی و راه است
آن به که کار خود بعبادت به گسسته
- ۴ گر سنگ این حکایت با آید عجب مدار
صاحب دلائل حکایت دل خوش آید گسسته
- ۵ حالی درون ۲ برده بی فتنه می رود
تا آن زمان که برده بر افتد چها گسسته
- ۶ بی معرفت مباش که در من یزید عشق
اهل نظر معامه با آشنا آید گسسته
- حافظ دوام وصل میسر نمی شود
شاعران کم التفات بحال گدا گسسته

ایضاً

- ۱ ما بدین ۴ در ز پی ۵ حشمت و جام آمده ایم
و ز بر حادثه اینجا به پناه آمده ایم
- ۲ ره رو منزل عشقیم و ز سرحد عدم
تا باقلیم وجود این همه راه آمده ایم

-
۱. آصفیه، گوردکپور، غیش، قزوی، غیم .
۲. آصفیه، عاقبت . ۳. گوردکپور، برون .
۴. در هر سه نسخه این غزل شامل هفت بیت است : زینب آصفیه، گوردکپور
و قزوی ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷
۵. گداست در آصفیه و حاکوی : گوردکپور و قزوی ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷

- ۳ سره خط نو دردم و با سر حنک بهشت
 ۴ قافله ۲ وجود این همه راه آمده ایم
 ۵ پادشاه ۲ گنج که شد حزن ۲ آن ۵ روح امین
 ۶ گنجشیر بدو حنک شاه آمده ایم
 ۷ آبرو می رود ای ابرخطا شوی ملوک
 ۸ که بدوین عهد داده بپاد آمده ایم
 ۹ لشکر ۲ حلم نو ای کشی توفیق که جاست
 ۱۰ که درین بحر کرم غرق گناه آمده ایم
 ۱۱ حافظ این خرقه یشمینه بیداز که ما
 ۱۲ از پس قافله با آتش و آه آمده ایم

-
- ۱ هر سه نسخه : و زیستان بهشت
 ۲ اشکزار مصراع درینجا اشتباه است : اصل مصراع اینست :
 طلب گازی این میر گیاه آمده ای (آصفیه : میرو گیاه)
 رک : گور کپور و قزونی
 ۳ هر سه نسخه : چنین
 ۴ گور کپور : ده زن
 ۵ هر سه نسخه : او
 ۶ گور کپور : ای بحر خطا یوشی بیا قزونی : ای ابرخطا یوشی بیا آصفیه
 ابرخطا یوشی بیا : اما عوزة ملوک دهلی و دایمی که تا فی اتمش
 ۷ گور کپور : لشکر حکم : آمده و قزونی عشاق متن

۱. باده شادان را اندازد خنده شریک دهنان
که بهر گمان شکند قلب همه صفت شکند
۲. مست بگذشت و افکار بر من درویش است
گفت کای؟ چشم و چراغ همه شیرین است
۳. ناکی از سیم و ذرت کیسه نهی خواص بود
بسته من شو و بر خور ز همه سیم
۴. کمتر از ذره نه پست و مشو مهر پرور
با جلا ننگه خور شد رسی چرخ زمان

-
۱. این عزل در گور کپور و قزوین شامل ۹ بیت و آخریه شامل ۸ بیت : هر
دو نسخه اولی اندک این دو بیت اضافی دارند :
 - بر جهان تکیه میکنم در قدح می داری
شادی زهره جبین خور و از لک بدنان
دامن دوست بدست آر و ز دشمن بگسل
مرد یزدان شو و فارغ گذر از ارمغان
 - آخریه شامل فردو بیت فوق و حذف بیت پنجم من بدین ترتیب : ۱. ۲. ۳. ۴. ۵. ۶. ۷. ۸. گور کپور : ۱. ۲. ۳. ۴. ۵. ۶. ۷. یا دوست در میان آنها دو قزوینی
منه گور کپور بدین اشیاء که در آخر اندک بیت : دامن دوست الخ هر از مقطع
و در قزوین بعد از بیت : زیر پیمانه گشتر ها الخ آمده .
 ۲. گور کپور : گفت آن .
 ۳. گور کپور : دهنان .
 ۴. ایضا : پست شو .

۵. در پنداره کیش من که به افشای عرش است
کدام را به عرش او محبت بهای شادان

۶. صفا در ده لاله سحرور می گدازد

به شهادت که کعبه ای همه جانان گدازد

۷. کعبه جنت من بود لایق آن دوازده ایوب

تا می لعل حکایت کند و شایستهٔ دستان

اینها

۱. پندانه ۲. پیر خرابات و حق نعمت ۳. او
که نیست در سر ما ۴. چو عوای خدمت او

۸. گور که بود : میخانه - ۲. گور که بود : دفنان -

۹. گور که بود : بیت - دوزخی و آصفیه هست - دارد : از جمله که بیت نسخه

گور که بود یعنی هست که مضارع دوزخی بتکرار آمده :

چرخ صافه آن صاحب روشن شد که زد بخرم من آتش محبت او

این نسخه شامل بیت زیر نیز هست :

شد آفرین نما بر لای آن طوفان که زد بخرم من آتش محبت او

۱۰. صبر است آخر دو من و آصفیه و بیت اول دو قزوینی شامل است : ظاهراً

یکی از دو صورت - صورت اول و صورت دومین صورت از دیو و صبح

است که خود شاعر نموده باشد - بیت دومین که نسخهٔ گور که بود آمده

داود بشراو زیر است :

دلا طمع میر از اظاف همی نهایت دوست

که هست مشتمل حال فیض رحمت او

اما بیت اضافی که دو قزوینی و آصفیه هست ، بدینطور آمده :

منی که شد دل ما میل زهد و نوبه ولی

بشام شد بکوشم و قرّ دولت او

۱. بهشت را فرجه به جای کرده که است
 ۲. بهار باد که منقوش بر صفت او
 ۳. حد او بی ۲ خط و بر ملائی آن طوطا
 ۴. که روز بصر من مدح آن شریعت است
 ۵. در لایحه و جسد کبر سر بر سر
 ۶. در آن بی که معارف است نیت او
 ۷. مکن به چشم حقارت نگاه در من مست
 ۸. که اینست معصیت و زهد بی مشورت او
 ۹. بار باد که دوشم مروت عالم غیبت
 ۱۰. تو بداد که عالمیت فیض و رحمت او
 ۱۱. مدام خرقه حافظ باد در گروست
 ۱۲. مگر ز خاک خرابات بود طینت او

[illegible]

۱. انجوی : برص است .
۲. فاسوس : کورک کپور . چراغ صافخانه آن سحاب رویش باد ، آشفته و باران
من . و همین صورت در کورک کپور بار دیگر آمده .
۳. کورک کپور و قزونی : من .
۴. قزونی : باران که دوش بدنی سرش
۵. کورک کپور و قزونی : فساد .

[۲۵ آه]

- ۶ آبی بر روزنامه اعمال ما نشانی
شد بخوان سترد حروف گدازد ازو
- ۷ آیا درین خیال که دارد گدای شبر
روزی شود که یستاد که پادشاه ازو
- ۸ حافظ که سر مجلس عاشق راست کرد
حال میاد صرمه این بزمگاه ازو

ایضاً

- ۱ دلا ۲ ساز ۳ که سوز تو کارها بکند
ساز نیم شبی دفع مد بلا بکند
- ۲ کتاب یار پری چهره عاشقانه بکشد
که یک کرشمه تلافی صد جفا بکشد
- ۳ در ملک و ملکوتش عجب بردارند
هر آنک خدمت جام جهان نمایی بکند
- ۴ طبیب عشق مریضها دم است و عشق لب
چو در تو درد نه بیند آگاه دوا بکند
- ۵ تو با خدای خود انداز کار و دل خوش دار
که رحم اگر بکند مدعی خدا بکند

- ۱ گورکهور : ساز و مجلس عاشق ، فروزی ، ساز و طرب عاشق ، آصفیه گدا
فی المتن .
- ۲ عذ شاعر این غزل در هر سه نسخه مانند متن حفظ است و ترتیب اشعار
بیز یکسانست .
- ۳ فروزی : سوز ، آصفیه گورکهور مانند متن : ساز
- ۴ آصفیه ، گورکهور ، برگرده ، فروزی مانند متن : بردارند
- ۵ آصفیه : کیت ، گورکهور ، فروزی ، گدا

۶ ز بخت خفته ملو لم بود که بیداری ۱
بخت خفته ملو لم بود که بیداری ۱

۷ بسوخت حفاظ و بخت بخت بار نمود
مگر دلات این دولش صبا نکند

ایضاً

[۲۵ ب]

- ۱ تقدما را برد آیا که عبادی گیرند
تا همه صومعه داران پی کاری گیرند
- ۲ مصلحت دیده ام ۳ آنست که یاران همه کار
بگذارند و خم طبره یاری گیرند
- ۳ خوش گرفتند حریفان سر زلف ساقی
کز ذاک شان بگذارند که فراری گیرند
- ۴ قوت بازوی بر هر بخوبان مفروش
که دران خیل خصاری بسواری گیرند
- ۵ یارب این بخت ترکان چه دلیرند بخون
که بشیر موه هر لحظه شکاری گیرند
- ۶ راض بر شعره خوش و ناله فی خوش باشد
خاصه وقت ۶ که دران زلف ۷ بکاری گیرند

-
- ۱ نسخه اصل : بیداری - تصحیح متن از روی تصحیف و گورکپیور و فروسی
 - ۲ آینه بین نال : دارد - گورکپیور و فروسی هفت بیت دارد و از این
هر دو با متن برابر است
 - ۳ قزوینی : دید من آنست - گورکپیور : دیدم آن نیست -
 - ۴ گورکپیور : بگذارند - قزوینی : بر طاق من مذ ۵ قزوینی : شعر از -
 - ۶ قزوینی : و قفسی ۷ قزوینی : دست

۷. حافظ ادبانی زعفران غم مسکینان نیست
درین میان کز شوائب به که گندازی گیرد

ایضاً

۱. غلامی در گیسو مست تو شمع دارانند
حرا به یاده لعل تو موشمارانند
۲. ترا صبا و مرا آب دیده شد غماز
و گریه عاشق و معشوق را ز دارانند
۳. در ۲ رات دوتا چون گذر کسی بگر
که از یمن و بسات چه بقرارانند
۴. گذار کن چو صبا بر نقشه زار و بیں
که از طاقول رقت چه سوگوارانند
۵. نه من بر آن کلی عارض غزل سرایم و بس
که عند لب تو از هر طرف هزارانند
۶. برو به یکده و چهره ارغوانی کن
مرو بصومعه کاجها سیاه کارانند

۱. تعداد اشعار این غزل در آصفیه و قزوینی برابر یا متن است یعنی نه بیت ،
اما گوردکیور فقط هفت بیت به حذف دو بیت شماره های ۵ و ۶ ، ترتیب اشعار
در آصفیه : ۱- ۲- ۳- ۴- ۵- ۶- ۷- ۸- ۹- قزوینی : ۱- ۲- ۳- ۴- ۵- ۶- ۷- ۸- ۹-
گوردکیور : ۱- ۲- ۳- ۴- ۵- ۶- ۷- ۸- ۹-
۲. گوردکیور : قزوینی : ۱- ۲- ۳- ۴- ۵- ۶- ۷- ۸- ۹- آصفیه : ۱- ۲- ۳- ۴- ۵- ۶- ۷- ۸- ۹- (برابر متن)
۳. قزوینی : سوگوارانند .
۴. قزوینی : بقرارانند .
۵. قزوینی : یا

۵. شکر آفرین که میان من و او طایع ملک
چو زلال زلفش کدبان دادش شکرانه و دانه
۶. انشانیست که وشعه او حذر شمع ۳
انشانیست که در خون پرده زده
۷. ما بعد از من پندار زده بودم
چون رفته آدم پندار یک خانه زده
۸. نقطه عشق دل گوشه اقبال خون کرد
معمور آن حال که بر عارضه حلاله زده
۹. کسی چو حافظ نگشوده از رخ اندیشه مذهب
تا سر زلف عربسان سخن شامه زده

ایضاً

۱. حسب ۶ حالی نوشتی ۷ و شد ایای چند
مهری کو که فرستم بتو یغای چند
۲. ما بآن ۸ مقصد اعلی ۹ توانیم رسید
هم مگر پیش بهت لطف شما گلی چند

-
۱. گورکهور : قزوینی : آرد : فشار : موزه ملی : کذا فی المثل
۲. کذاست در آصفیه : گورکهور : قزوینی : صوفیان : خاناری : قزوینی
۳. گورکهور : صبح :
۴. آصفیه : ز : ره :
۵. گورکهور : نگشوده : قزوینی : نگشوده : آصفیه : نگشوده (برابر با من)
۶. آصفیه : بعد : بعد : بیت : بیت : چشم : گورکهور : قزوینی : دارد
۷. در ۹ بیت : ترتیب : انصاف : قزوینی : برابر : من : در : گورکهور : بیت : سوم
و چهارم : بالعکس آمده :
۸. کذاست در آصفیه : گورکهور : قزوینی : بدان :
۹. گورکهور : قزوینی : عالی :

۱. یهودی که از هم بدو بدو و از او بدو بدو
 ۲. یهودی که از او بدو بدو و از او بدو بدو
 ۳. یهودی که از او بدو بدو و از او بدو بدو
 ۴. یهودی که از او بدو بدو و از او بدو بدو
 ۵. یهودی که از او بدو بدو و از او بدو بدو
 ۶. یهودی که از او بدو بدو و از او بدو بدو
 ۷. یهودی که از او بدو بدو و از او بدو بدو

[۲۶ ب]

۷. ای که دایان خرابات خدا یار شده است
 چشم اندام مداریده ز افغانی چهره
 ۸. پیر میخانه چه خوشی گفت بدردی کفن خویش
 که مگر حال دل سوخته ز شادی چهره
 ۹. حافظ از شوق رخ مهر فروغ تو بدوخت
 کا مگرا نظری گون سوی آ ناکامی چهره

ایضاً

۱. رسیدن مژده که ایام غم نخواهد ماند
 ۲. رسیدن مژده که ایام غم نخواهد ماند

۱. گوردکهور : جمله سنگینی
 ۲. گوردکهور : مهر روز
 ۳. گوردکهور : تو بنا کای
 ۴. گوردکهور : هست یست بعد از دو بیت سرور و غم
 ۵. بعد از دو بیت

- ۲ من آنچه در نظر یار خاکبار شدم
دقیق نیز چنین معترم نخواهد ماند
- ۳ چو برده دار بشمیر می زاند همه را
کسی مقیم حریم حرم نخواهد ماند
- ۴ درین آرواق زبرجد درشته اند یز
که سز نکوئی اعلیٰ کرم نخواهد ماند
- ۵ چه جای شکر و شکایت که نقش ۲ نیک و بدست
چو بر صلیقه هستی رقم نخواهد ماند
- ۶ سرور مجلس جمشید گفته اند این بود
که جام باده یاور که جم نخواهد ماند
- ۷ سحر ۳ کز شمه لطفم بشارتی خوش داد
که کسی همیشه گرفتار غم نخواهد ماند
- ۸ غنیمتی شعرای شمع وصل پروانه
که این معانه نا صیادم نخواهد ماند
- ۹ توانگرا دل درویش خود بدست آور
که مخزن زر و گنج درم نخواهد ماند
- ۱۰ ز مهربانی جلالت طمع مهر حافظ
که نقش جور و نشان ستم نخواهد ماند

-
۱. فزونی : بدین ؟ گود که بود : برین .
 ۲. گود که بود ، فزونی : ز نقش ،
 ۳. این بیت در هر دو نسخه فوق نیامده .
 ۴. نسخه موزه ملی دهلی : کز شمه وصالش افشار : کز شمه لطفم (کذا در متن)

[۱۰۰]

۱. سلام خدمت ای دلداد خایه سوز
که در سحر صبحی گریه مگری مگر
۲. تو سحر چه گشایان شرط برد مکن
دوست خود بوش بند بر روی دست
۳. ز شعر دشتکش سحرش شود آنگاه
که لطف طبع ۲ و سخن گفتن دوی داند

ایضاً

۱. دوش ۳ می آمد و رخساره بر افروخته بود
تا کجا باز دل شایسته سوخته بود
۲. رسم عاشق کشی و شیوه شیر آشوبی
جانم بود که بر قامت او دوخته بود
۳. جانم عشاقی سپرد رخ خود می داند
و آتش از چهره بدین کار بر افروخته بود
: مگر چه می گفت که زارت بکشم می دیدم
که نهانش نظری با من دلورخته بود

۱. آصفیه ، گورکپور ، قزوینی : بود آگاه

۲. آصفیه ، گورکپور : لطف نظم

۳. آصفیه هفت بیت بحثش بیت پنجم و باضافه بیت زیر :

کفر زلفش ره دین میزد و آن سنگین دل

در رومش دشت از چهره بر افروخته بود

۴. در رومش دشت از چهره بر افروخته بود و نسخه شخصی بنام مشت بیت اضافه

بیت فوق گورکپور بر غزل ندارد . ۵. آصفیه : دل عشاق

۶. آصفیه ، قزوینی : آتش چهره .

۵. دل من چون گنج آینه ولی درم برینست
 آینه آینه که توف کرد و که آینه خانه بود
۶. باز بخروش ایلیا که من آ بود منکره
 آینه آ یوسف یوز ما سره سر و خنده بود
۷. گنج من خوش گشت که رو ۲ حرفه سرور ای سرور
 بارب ایس قلب شناسی ز که آینه خنده بود

ایضاله

۱. دوش ۵ در حلقه ما قصه کیسوی تو بود
 نا دل شب سخن از سلسله موی تو بود
۲. دل که از ناولک موکان تو در خون می گشت
 باز مشتاق کمان گوشه ۶ ابروی تو بود
۳. هم عفا الله صبا کز تو پیامی می داد
 ورنه در کس نرسیدیم که از گوی تو بود
۴. عالم از شور و شر عشق خیر هیچ نداشت
 دینه انگیز جهان غمزه جادوی تو بود

۱. آصفیه : کس این سود ، و در نسخه شخصی : هر که يك لحظه وصالش
 بدر عالم نخرید یوسف خود الخ .
۲. نسخه شخصی : یوسف خود . ۳. آصفیه ، قزوینی . نسخه شخصی : رو .
۴. قزوینی : نسخه شخصی : بسوزان حفظ . آصفیه : سوزانی حافظ کدانی الفتی .
۵. در هر سه نسخه تعداد آیات غزل هفت و ترتیب اشعار در هر سه ربطی متنی
 می باشد .
۶. آصفیه ، قزوینی : کمان خانه ؛ کور کپیور : کمان مهره .
۷. کور کپیور : نداد .

۵. می سرگشته هم از اهل سلامت بودم
دام : اعم تنگی نظر هندوی ۱ نو : ۵
۶. بگشت زنده توانا بگشت بسد دل حسن
که گشادی که مرا بود از پناهی تو بود
۷. یوهای تو که ز زنت عاقله بگذر
کوچک می شد ، تو آزوی روی تو بود
ایضاً له

۱. نازمخانه ۲ و بی نام و نشان خواهد بود
سر ما خاك در ۳ پیر معان خواهد بود
۲. حلقه پیر معان از ازل در گوشت
بر معانی که بودیم و همان خواهد بود
(۲۷ ب)

۳. بر سر زیت ما چون گذری هست خواه
که زیارت که رندان جهان خواهد بود
۴. زوای زاهد خودین ۴ که ز چشم من و تو
راز این برده نهانست و نهان خواهد بود
۵. چشم از شب که دشواری تو بهم ۳ سر بخت
قادر صبح یافت نگران خواهد بود

۱. کورکهور : حلقه کیسوی .
۲. هر سه نسخه بعد از این غزل هفت می باشد و ترتیب آیات در آنها
قرار زیر است : ۱ ، ۲ ، ۳ ، ۴ ، ۵ ، ۶ ، ۷ .
۳. هر سه نسخه : ره : خالری : در (گدا فی المتن) .
۴. آصفیه : خود : (بن اعداد است) ۵. آصفیه : چشم آن شب :
کورکهور : نوزوی : چشم اندام ۶ کورکهور : نوزوی : آصفیه : نوح .

۱- در این بخش، کتب و مجله‌های موجود در کتابخانه را به تفصیل معرفی می‌کنیم.

$\Gamma_{\mathcal{A}}(x) = \text{Aut}(x) = \{ \sigma \in \Gamma_{\mathcal{A}} \mid \sigma(x) = x \}$

21. *Chrysomelidae*

۱. یحییٰ و خلیق و وفا کسی یار ما نرشد
نرا درین سخن انگار کار ما نرشد
۲. ای یار حسن و نشان پیرو آدم اند
کسی یحییٰ و لطافت یار ما نرشد
۳. یحییٰ صحبت درین که هیچ محرم یار
یار یک جهت حق که یار ما نرشد
۴. هزار نقش بر آینه ز کمال صنع ولی
بدلی در روی نقش سگوار ما نرشد

۵. هزار افند بازار کایشات آراند
یکی بکته صاحب عیار ما نوسید
۶. دلا ز خبت ا حودان دراج و این ۲ باش
۵. در حلقه امیربازار ما فرسید
۷. چنان بوی که اگر خاله ره شوی آس را
غبار خاطری از رنگداز ما فرسید
۸. در بیخ فافله امن ۳ کانچنان رفتند
که گردشان بقیار ۴ دیار ما فرسید
۹. سبوحه حلقه و ترسم که شرح قصه ۵ او
تسمیع پادشه کامگار ما فرسید

ایضاً

۱. ترسم ۶ که اشک بر ۷ غم ما پرده در شود
وین راز سر پمهر بعالم سحر شود

۱. آصفیه، گورکهور، طمس، قزوینی، حبت (کدا فی العنق)
۲. مرده بد واتی -
۳. قزوینی، عمر، آصفیه، گورکهور، امن (کدا فی العنق)
۴. مرده، بهوایی، گورکهور، خسته،
۵. آصفیه، بیت دارد، بهخلاف بیت پنجم، و اضافه دو بیت زیر:
ای جان حدیث [ما] در دلتان باز گوی ایکنی چنان مگو که صارا خبر شود
این سرگشی که کنگه فاکش و بدل راست مرعا استغفره [او] خاله در شود
راز وین ده بیت بدون حدیث جوی و اضافه دو بیت بالا: گورکهور ده بیت
دارد باضافه بیت زیر: این سرگشی که دوسر سرو بلندست.
(دبانه دارد)

۵. من این مرام را بگین چون گلی در باغ سرخس
که بر باد و فروزش مجرعه برآید
۶. هر که در عشق می دوشد سرافراز است
و پیش آفری این دشت شیر در باد
۷. بگو، عشق همه بر نفس عشق مدام
که کم شد آنک درین راه بر مری نرسد
۸. مکن ز غصه شکایت که در طریق طلب
براحتی نرسید آنک ز جانی ناکشید
۹. ز میرهای بهشتی چه ذوق؟ در باد
هر آنک سبب زانندان دلیری نگردد
۱۰. خدایا مددی ای دلیل راه حرم
که نیست بادیه عشق را گزانه بندید
۱۱. شراب و نوش کن و جام زر حافظ بخش
که پادشه بگرم جرم صوفیان بخشید

ایضاً

۱. شراب و عیش نهان بیست گاو بی بیاد
ز دیم بر صفه رانندان و هر چه یاد یاد
-
- ۱- گورکپور: درد ۲. گورکپور: بذوق ۳. گورکپور: بگزید
که است در جانری: اما از این بن مقطع دارد:
- چهار می گذرد دانه کش در باب که رامت موسم و حافظ هنوز می نیشزد
ز گورکپور از بیت دیگری دارد:
- کلی نچید ز پنهان آرزو حافظ مگر نسیم مرآت مرا درین روز
این غزل بر آینه باقی می شود: گورکپور و از این طاق متن ده بیت
دارد بهمان ترتیب: ۶. گورکپور: جهان.

- ۲ گره ز دل بکشا و ز سپهر باد شکن
که فکر هیچ مهندس چنین گره انگشا
- ۳ ز انقلاب زمانه عجب مدار که چرخ
ازین فاصله هزاران هزار دلو باد
- ۴ قدح بشرط ادب گیر و آنک ترکیش
ز کاسه سر جمشید و بیم نیست و قباد
- ۵ که آگهیست که جمشید و کی کما رفتند
که واقفست که چون رفت تحت جم بر باد
- ۶ ز حسرت آب شیرین هنوز می بینم
که لاله می دهد از خون دیده فرهاد
- ۷ مگر که لاله بدانت بی وفا می دهد
که تا بر باد و شد جام می زکف قنار
- ۸ یا یا که ز می بگذر ۲ خراب کنیم
مگر رسم بگنجی درین خراب آباد

[۲۹ الف]

- ۹ نمی دهند اجازت مرابیر و سفر
نسیم باد معشوقی و آب و رکت آباد
- ۱۰ قدح بگیر چو حافظ مکرینا چنگ
که بسته اند بر ایریسم طرب و شاد

- ۱ گورکهور: قصه است ۲ گذاشت در فریبی: گورکهور: گذاشت .
۳ قزوینی: زمانی ز می خراب: گورکهور: ز می بگدی .
۴ چاپ خنکری: مفت نیست است و فائد ایام: ششم: هفتم: هشتم

ایضاح

۱. دل که غیب نمائست و جام به در
و خدای که می که شود چه غم داشت
۲. بخت و خال گدایان همه خورده است
دست شاه و شیوه که محترم دارد
۳. زهر موم که که طرب چون آتش است
بهر بوی فساد هر که شش درم دارد
۴. در بهر بخت محتمل است جدای سزا
غلام محنت هر دم که این فتنه دارد
۵. ز آتش بوی می اکنون چه کی دروغ دارد
که عقل کی بقصدت غیب منجم دارد
۶. ز سر غیب کسی آگاه نیست نقش و خوان
کدام مجرم دل ره در بر حرم دارد
۷. دلم که لاف نبرد زدی کنون صد شغل
بیسوی زلف تو یا باد مستحرم دارد
۸. مرا دل ز که جویم چه نیست دلداری
که جلوه قدم و شیوه کرم دارد

-
۱. آصفیه و گورکهور هفت بیت و قزوینی ده بیت دارد؛ در اول الذکر هر دو نسخه بیت هفتم و هشتم فاقد است. قریب اشعار درین دو نسخه با اشعار متن برابر است. شش نسخه که بیت پنجم در آن نسخه بیت ششم قرار یافته، بیت چهار در هر دو نسخه همان قریب است. نسخه قزوینی عموماً دقیق قریب اشعار متن است. در تفاوت که بیت سوم و چهارم متن در قزوینی بالعکس آمده.
 ۲. گورکهور: زلف بوی می قزوینی: قصه مخوان، آصفیه، گورکهور: غیب مجوی

E. coli O157:H7 was isolated from ground beef samples collected from retail outlets in the United States.

Journal of Management Education 30(6)p.789-804

... ..

...the

1. *Scaphiophylax* sp. nov.

[illegible]

— 10 —

Synaldis

1. *Chlorophyll a* (mg/g dry weight)

مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری

سید یحییٰ علی شاہ

مجلس در این لحظه من و سید محمد را که در آنجا بودیم، از آنجا برداشتند و به سوی
شاهان و اعیان روم بردند و در آنجا اقامت دادند.

آصفیه عقبه یی بخلاف یی عظمیٰ قزوینی عشتیائی عشق منی کوی...

که میجو جان گرامی شما لنگه دارو

منه است: گویا که پیر ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵

• قانونی : عوام : آصفیہ ، گورکھپور : وفا (کتا فی المشرق) •

گورکھپور، مشرقی : فروشی : حدیث دوست لکھنؤ مندرجات

تقریبی : یاری ، ۸، خالری، صحیحیت و تهدید و قتل

۶. در این شعر زلف از دل فرا می‌رسد
روی طلف نگوش که خاکه دارد
۷. رنگه داشت دل ما و حتی و بعضی هست
و دست دهنه چه چیز خدا نیکه دارد
۸. غبار رنگداریت کجاست تا حفظ
بشد کار نسو صفا نیکه دارد

ایضاً

[۲۵-]

۱. اگر ۲ روم ز پیش فتنه برانگیزد
ور از طلب دشمن بکینه بر خیزد
۲. و گر بر کدوری یکدم از هواه داری
چو کرد در پیش اقم چو باد بگوزد
۳. و گر کنم طلبه ۶ نیم بوس صد افسوس
ز حقه دهنش چسبون شکر فرو ریزد
۴. من آن فریب که در ترکش تو می بینم
بس آب روی که پا خاک ره بر آمیزد

۱. آصفیه، گورکهور: در آن: فروزش: بر آن.
۲. فروزی: چو گفتش که دلم را ننگه دار چه گفت: گورکهور برابر متن.
۳. آصفیه ۶ بیت: حذف بیت ششم. گورکهور: فروزی هفت بیت برابر با متن و ترتیب اشعار در مردود بر طبق متن.
۴. مثل حذف های غیر ملحوظ بحالت جمع غیر دوی المعقول، در قدیم همین صورت متداول بوده.
۵. کذاست در آصفیه: گورکهور: فروزی: و قال.
۶. گورکهور: و گر کنم طمع بوسه بعد افسوس: آصفیه: فروزی مانند متن.

۵. و از و شب یلان عشق نام بلاست
 کجاست شد دل که بلا نبرد
 ۶. تو عمر جوان و سوز و آتش چرخ شعله باز
 چرا با پای ازین طوفان ترس ازنگرد
 ۷. بر آینه عشق سر زده حلقه
 که گر سبزه کسی رود گل سبز

ایضاً

۱. در آزل بر نوحش ز نعلی دم زد
 عشق پیدا شد و آتش بهمه عالم زد
 ۲. جلوه کرد رخسار دردملك عشق داشت
 عین آتش شد ازین غیرت و بر آدم زد
 ۳. عقل می خواست گزان شعله چراغ افروزد
 برق غیرت بدرخشید و جهان بر هم زد
 ۴. هر کسی خواست قدم در حرم عشق نه
 دست غیب آمد و از سینه نه حرم زد
 ۵. جان خاوی حوس چاه رندان تو داشت
 دست در حلقه آن زلف خیم اندر خم زد

۱. در نسخه اصل متن مصراع دوم ابیست چهارم تکرار شده .
 ۲. در نسخه اصله - گور کپور - قزوینی این غزل مانند متن معتد بیت دارد .
 و در بیت شاعر در هر سه باریست اما در بیت پنجم و ششم متن نامکس آمده .
 ۳. آصفیه - قزوینی : حسرت ؛ گور کپور : رویت .
 ۴. آصفیه - قزوینی : گور کپور : رحمت ؛ زلفی : سلاشگر ؛ رخسار (کذا فی المتن) .
 ۵. در نسخه اصله - مدعی خواست که آید بنام آگاه راز .

۶. دیگر آن قرصه قسمت همه بر عشق زدند
 دل غم برده ما بود که غم بر غم زد
 ۷. حافظ آن روز ضرب نامه عشق تو نوشت
 که غم بر سر اسباب دل خورم بود

ایضاً

۱. خوشتر اخلوت اگر یار یار من باشد
 نه من پیوزم ۲ و او شمع انجم باشد
۲. من آن نگین سلیمان بیج نستانم
 که گاه گاه برو دست اهرمن باشد
۳. روا مدار خدا با که در حریم وصال
 رقیب محرم و حرمان نصیب من باشد
۴. معای کبر مفسکن سایه شرف هرگز
 بدای ۳ دیار که طوطی کم از زغن باشد
۵. یان شوق چه حاجت که حال آتش دل
 توان شناخت ز سوزی که در سخن باشد
۶. هوای کوی تو از سر نمی رود ما را ۵
 غریب را دل سرگشته با وطن باشد

-
۱. آصف، تشریت دارد بحدف بیت چهارم : گودکپور . قزوینی هفت بیت
 و قریب ایات دو همد برابریست با قریب در متن .
 ۲. گودکپور : میرم . ۳. قزوینی : دوان .
 ۴. قزوینی : سوز : آصفیه . گودکپور : حال (کذا فی المتن) .
 ۵. کذات در گودکپور : آصفیه . قزوینی : آری .

در منزلت صفت کمال و بزرگواری است
 که در پندار و عمل و گفتار جلالت شود

افسانه

۱. نظم ۳ که دیده بیدار دوست کردم باز
 به فکر که هست او کاروان رسیده بواز

۱. فزونی : منزل گیدا فی الزمان ، آصفیه ، گورکمپور : محاسن
 ۲. کذابت در فزونی ، آصفیه ، گورکمپور : سوی
 ۳. در آصفیه این غزل هجده بیت دارد حذف دو بیت هشتم و نهم : فزونی دو غزل در همین زمینه دارد ، یکی از آنها شامل پنج بیت : یکم ، دوم ، چهارم ، پنجم ، ششم ، دومین بمطلع زیر :
- مردم فکر که دیدم بکام خود است باز
 چون صدف و صفا گشته با دلم بعمار
 شامل ۵ بیت : هشتم و نهم و دهم و یازدهم : دومین پنج بیت و اولین دو
 بیت اضافی دارد . گورکمپور یک غزل بمطلع فوق : هزار شکرت آید شامل ۸
 بیت است اما هیچ بیت در غزل که در متن بر حجت موجود نیست : اما این
 غزل حذف یک بیت زیر در آصفیه وجود دارد :

روند دگرگان طریقت ره بدلا و رواند

رفیق عشق چه غم دارد از تشبیه و تواتر

این ستاره سوز که صفا صفت بیت (ا) شامل دو غزل فزونی شامل غزل
 که گورکمپور شامل هشت بیت است و این صفا صفت شعر دیگر بیت زیر اضافه دارد
 ملائقی که بروی من آمد از غم تو ز اشک پرس حکایت که من بزم غمناک
 و با آن صفت بیت (ب) ، فقط شش در غزل آصفیه موجود است که یک بیت
 پیش دارد ، این ملائقی که در متن است ، اولین بیت است که دارد . روند دگرگان
 طریقت آید خلاصه کلام اینست که صفا صفت یک غزل نوشته بود که شامل
 یازده بیت بود ، بعداً با اضافه هشت بیت ، دو غزل ساخته و این ده غزل در
 (د) که (ا) دارد

۲. باز در حدیث آمده که: روح از حساب و مشورت
که گوید: ای کاش من از حساب و مشورت

آمده بود، هیچ و نیست، اما يك هزار از دینی شافع بنوعی است، از جمله عیون و در بعضی
از آن چهار بیت از عیون غزل باشد، تا گفته باشد که آنکه در عیون زنده
است غزل دیگر دارد که قبلاً نقل شده، این غزل از هر دو نسخه گورکمی و
و قزوینی خارج است:

صبا به قدم کمال راجع روح بخشید باز

کجاست بلبل خوشگوی کز برآر آواز

چه حلقه که زدم بر در دل از سر دور

پیری صبح وصال تو در شبان دراز

شبی وصال سحر که ز بخت خواسته ام

که با تو شرح سرانجام خود کنم آغاز

نم ز هجر تو چشم از جهان فرو می دوخت

نوید دولت وصل تو داد جانم باز

بهیچ در لروم بعد ازین ز حقیرت دوست

چو کعبه یافتیم آیم ز بت پرستی باز

امید قند [تو] می داشتم ز بخت بلند

نسیم زلف تو می خواستم ز عمر دراز

غبار خاطر ما چشم خصم کور کند

تو رخ بخاک نه ای حافظ و بسوز و بساز

در نسخه قزوینی آمده سه غزل در همین زمینه مطلع علی و غیره در نسخه

براه میگذرد عشاقی راست درنگ و تاز

همان نیاز که حجاج را برآه نیاز

دمی که دیده بدیدار دوست کردم باز

چه شکر گویم ای کار ساز باده نواز

هزار شکر که دیدم بکام خویش باز

ز روی صدق و صفا گشته با دلم دمساز

۳. زان در غزل که ایثار کردی ای دروغ
 سزا که تو روح دولت کنی گشته‌ام تا
 ۴. مهابت بر آن محصور چگر کند عاشق
 بقول دلفی عشقش دوست نیست اعدا
 ۵. ز مشکلات طریقت اتصال میخ ای دل
 که مرد راه بیدیشد از شبیب و فراز
 ۶. درین مقام محازی بحر پناه مگر
 درین سراجة ازبچه غور عشق باز
 ۷. من از نسیم سخن^۱ چنین چه طرف براندم
 چو سره راست درین داغ نیست محرم باز
 ۸. اگر چه حسن نو از غیر عشق مستحبست
 من آن نسیم که ازین عشق بازی آیم باز
 ۹. غرض کرشمه حسد و راه حاجت نیست
 جمال دوات محصور را بر لطف^۲ ایاز
 ۱۰. چگونگیست که زسوز درون^۳ چه می بینم
 ز اشک بر من حکایت که من نسیم غمتار
 ۱۱. غزل سرایی ناهید صرفه میرد
 دران مقام که حافظ بر آورد آواز

-
۱. نسخه شخصی: کرشمه و ناز، از غزل فوق، در آهنگیه چهار بیت در غزل اول، و سه بیت در غزل دوم وجود دارد.
 ۲. گذشت در آهنگیه: نسخه شخصی: نسیم سحر که.
 ۳. نسخه شخصی: چنین. ۴. نسخه شخصی: سوز چگر.

اینهاست

۱. تا آنکه در خانه اگر بر کفش و کفش
باز باز آید ، با این فن آری می بکشد
۲. دیده را دستگیره دگر و گهر گزیده اند
بوجود جوی و تندیس آری می بکشد
۳. کس بر آید بر او دم زدند از قصه
مگرش به آری می بکشد
۴. دوش گفتم بکشد لعل لب چاره من
مانف غیب ندا داد که آری می بکشد
۵. داده ام باز نظیر را بشنود پرواز
باز خواند مگرش نقش و شکاری می بکشد
۶. شهر خالیت ز عشاق بود کز طرف
مردی ۳ از خویش برون آید و کاری می بکشد
۷. کو کزین که در بزم طربش غمزد
جرعه در گشت و دفع خداری می بکشد

۱. این غزل در همه نسخه دارای نه بیت است ، با ترتیب جداگانه در
قزوینی و گورکپیور بدین ترتیب : ۱ ، ۲ ، ۳ ، ۴ ، ۵ ، ۶ ، ۷ ، ۸ ، ترتیب
اصفیه بدینقرار است : ۱ ، ۲ ، ۳ ، ۴ ، ۵ ، ۶ ، ۷ ، ۸ ، ۹
۲. قزوینی : دم زدن ، ۳. سبزه گز ، ۴. مردی از غیب ، ۵. همه نسخه کزانی این
۶. این بیت دو چاپ خالاری نیست .

۱. عاقبت گویا در این راه هم می‌رسد.
 گنجینه‌ی بر سرش است گمشده گنجینه‌ی سکه.
 ۲. پا وفا با خبر وصل تو با حرکت رقیب
 بازی چرخ یکی در این همه بازی نکند ۲

-
۱. قیومی بود آبا که فلک زمین در سه کاری بکند : آصفیه ، بازی چرخ
 یکی زمین نام سه کاری بکند : گور کهور ، بازی چرخ یکی زمین همه بازی بکند
 ۲. بر دستخواران این غزل بعد از غزل مطلع : دلا بساز و سوز الخ در جست

۲۲. در آتشی که خالک را بظفر کیمیا کنند
۲۳. اگر آن ترک شیرازی بدست آورد دل ما را
۲۴. اگر چه عرض هنر پیش یار بی ادبست
۲۵. اگر روم ز پیش فتنه ما بر انگیزد
۲۶. ای که مهجوری عشاق روا می داری
۲۷. جهان پیر خرابات و حق نعمت او
۲۸. بحسن و عفاف و وفا کس یار ما نرسد
۲۹. بستر جام جم آنکه نظر توانی کرد
۳۰. بنال بلیل اگر با منت سر پاویست
۳۱. بوی خوش تو هر که زیاده صبا شنید
۳۲. یا که ترک فلک خوان روزه غارت کرد
۳۳. یا که قصر اهل سخت بدست نیادست
۳۴. تا ز میخانه و می نام و نشان خواهد بود
۳۵. ترسم که اشک رغم ما پرده در شود
۳۶. تو همچو صبحی و من شمع خلوت محرم
۳۷. چون شوم خالک رهش دامن یفشاند ز من

۱۷. حاکم کارگاه تو زده مشکاف این همه نیست ۲۷
۱۸. حافظ خلوت صبر دوش منقطع شد ۶۶
۱۹. حسنه عالی دوشش ز شد ایامی چند ۱۱
۲۰. حیل عمار یار که بگردد دلو ازو ۲۵
۲۱. خوش است خلوت اگر یار یار من باشد ۶۳
۲۲. در ازل پرتو حسش ز نهایی دم زد ۶۲
۲۳. در نمازم غم ابروی تو با یاد آمد ۵۴
۲۴. دست در حلقه آن زلف دوتا توان کرد ۳۹
۲۵. دلا بباز که سوز تو کارها بکشد ۳۹
۲۶. دل سرایرده محبت اوست ۱۸
۲۷. دلی که غیب نمایست و جام جم دارد ۵۹
۲۸. دوش در حلقه ما قصه کیسوی تو بود ۱۹
۲۹. دوش دیدم که ملائک در میخانه زدند ۱۳
۳۰. دوش می آمد و رخساره بر افروخته بود ۱۸
۳۱. دیدی ای عشق غم یار دگر یار چه کرد ۲۳
۳۲. رسید مژده که آمد بهار و سبزه دمید ۴۶
۳۳. رسید مژده که ایام غم نخواهد ماند ۴۵
۳۴. روی بنمای و وجود خودم از یار بر ۲۱
۳۵. سالها دل طلب جام جم از ما می کرد ۱۳
۳۶. شاه شهباز قدان خسرو شیرین دهان ۳۵

۴۲. شراب من غل و مدافعتش در دم و دهان
 ۴۳. شربت من عیش و نشاط چو شربت یار
 ۴۴. شربت من اگر در گنجینه است
 ۴۵. سلام بگوش منست و با محفل است
 ۴۶. شمشیر من گویا در گنجینه جود اندر
 ۴۷. در پیش من در پیش منست و در پیش من
 ۴۸. دم که دیده با دیدار دوست کردم یار
 ۴۹. نقد ها را بود آیا که عیاری گهراند
 ۵۰. نه هر که پهره بر افروخت دلبری داند
 ۵۱. هر آنک بر لب اهل وفا نسکه دارد
 ۵۲. یارب این شمع شب افروز ز کاشانه کیست

عکس غزلیات نسخہ اصل

مُتَوَرِّخ ۸۱۳ هجری

{موزہ سالار جنگ حیدر آباد، سندھ}

زیر شمارہ، انظم فارسی ۲۲۸۹/۳۶



Handwritten text in a cursive script, likely a header or introductory section, spanning the top of the page.

Main body of handwritten text, organized into two columns. The script is consistent throughout, suggesting a single scribe. The text appears to be a detailed account or list.

Handwritten text at the bottom of the page, possibly a conclusion or a signature block, enclosed within a decorative border.



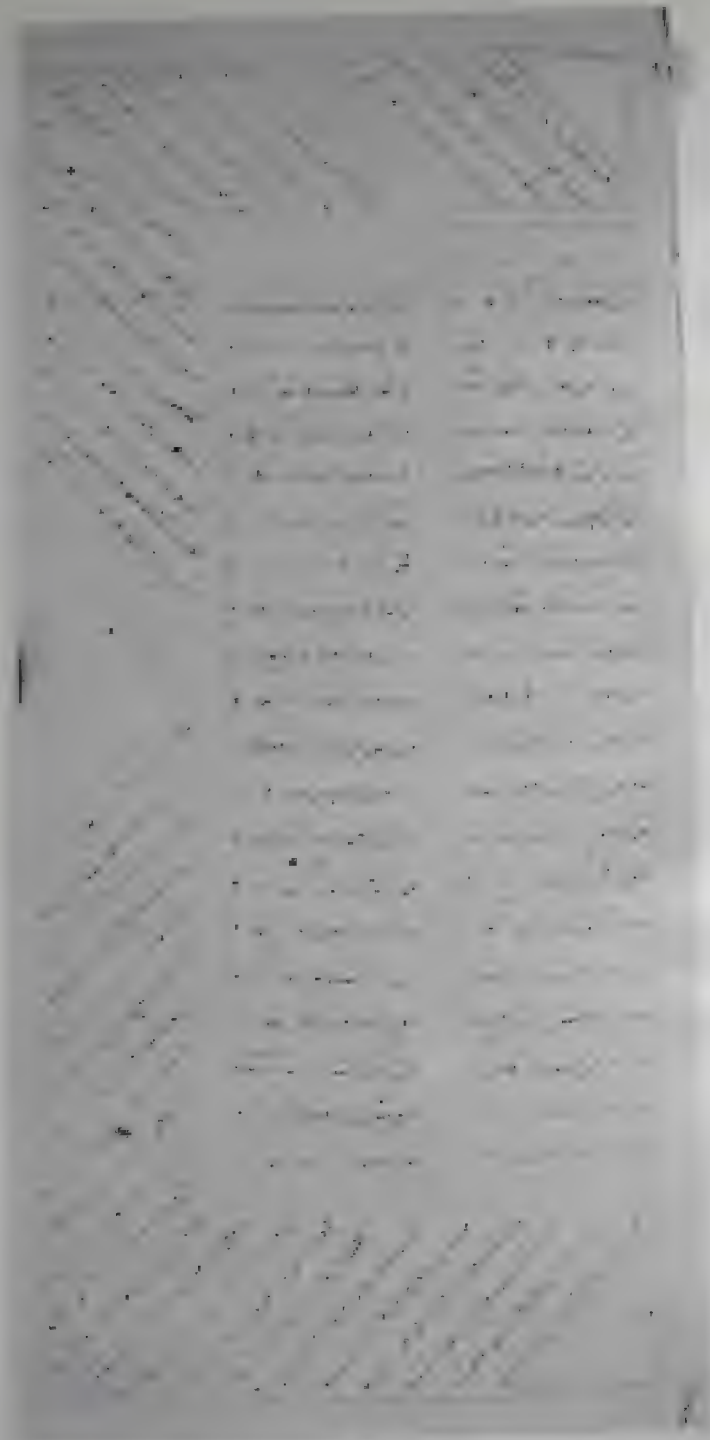


Handwritten text in a cursive script, likely Persian or Urdu, arranged in multiple columns. The text is dense and fills most of the page. There are some faint markings and possibly a small number '2' in the top right corner.

۱
 ۲
 ۳
 ۴
 ۵
 ۶
 ۷
 ۸
 ۹
 ۱۰
 ۱۱
 ۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰







100

<p> ۱۰۰ ۱۰۱ ۱۰۲ ۱۰۳ ۱۰۴ ۱۰۵ ۱۰۶ ۱۰۷ ۱۰۸ ۱۰۹ ۱۱۰ ۱۱۱ ۱۱۲ ۱۱۳ ۱۱۴ ۱۱۵ ۱۱۶ ۱۱۷ ۱۱۸ ۱۱۹ ۱۲۰ ۱۲۱ ۱۲۲ ۱۲۳ ۱۲۴ ۱۲۵ ۱۲۶ ۱۲۷ ۱۲۸ ۱۲۹ ۱۳۰ ۱۳۱ ۱۳۲ ۱۳۳ ۱۳۴ ۱۳۵ ۱۳۶ ۱۳۷ ۱۳۸ ۱۳۹ ۱۴۰ ۱۴۱ ۱۴۲ ۱۴۳ ۱۴۴ ۱۴۵ ۱۴۶ ۱۴۷ ۱۴۸ ۱۴۹ ۱۵۰ ۱۵۱ ۱۵۲ ۱۵۳ ۱۵۴ ۱۵۵ ۱۵۶ ۱۵۷ ۱۵۸ ۱۵۹ ۱۶۰ ۱۶۱ ۱۶۲ ۱۶۳ ۱۶۴ ۱۶۵ ۱۶۶ ۱۶۷ ۱۶۸ ۱۶۹ ۱۷۰ ۱۷۱ ۱۷۲ ۱۷۳ ۱۷۴ ۱۷۵ ۱۷۶ ۱۷۷ ۱۷۸ ۱۷۹ ۱۸۰ ۱۸۱ ۱۸۲ ۱۸۳ ۱۸۴ ۱۸۵ ۱۸۶ ۱۸۷ ۱۸۸ ۱۸۹ ۱۹۰ ۱۹۱ ۱۹۲ ۱۹۳ ۱۹۴ ۱۹۵ ۱۹۶ ۱۹۷ ۱۹۸ ۱۹۹ ۲۰۰ </p>	<p> ۱۰۰ ۱۰۱ ۱۰۲ ۱۰۳ ۱۰۴ ۱۰۵ ۱۰۶ ۱۰۷ ۱۰۸ ۱۰۹ ۱۱۰ ۱۱۱ ۱۱۲ ۱۱۳ ۱۱۴ ۱۱۵ ۱۱۶ ۱۱۷ ۱۱۸ ۱۱۹ ۱۲۰ ۱۲۱ ۱۲۲ ۱۲۳ ۱۲۴ ۱۲۵ ۱۲۶ ۱۲۷ ۱۲۸ ۱۲۹ ۱۳۰ ۱۳۱ ۱۳۲ ۱۳۳ ۱۳۴ ۱۳۵ ۱۳۶ ۱۳۷ ۱۳۸ ۱۳۹ ۱۴۰ ۱۴۱ ۱۴۲ ۱۴۳ ۱۴۴ ۱۴۵ ۱۴۶ ۱۴۷ ۱۴۸ ۱۴۹ ۱۵۰ ۱۵۱ ۱۵۲ ۱۵۳ ۱۵۴ ۱۵۵ ۱۵۶ ۱۵۷ ۱۵۸ ۱۵۹ ۱۶۰ ۱۶۱ ۱۶۲ ۱۶۳ ۱۶۴ ۱۶۵ ۱۶۶ ۱۶۷ ۱۶۸ ۱۶۹ ۱۷۰ ۱۷۱ ۱۷۲ ۱۷۳ ۱۷۴ ۱۷۵ ۱۷۶ ۱۷۷ ۱۷۸ ۱۷۹ ۱۸۰ ۱۸۱ ۱۸۲ ۱۸۳ ۱۸۴ ۱۸۵ ۱۸۶ ۱۸۷ ۱۸۸ ۱۸۹ ۱۹۰ ۱۹۱ ۱۹۲ ۱۹۳ ۱۹۴ ۱۹۵ ۱۹۶ ۱۹۷ ۱۹۸ ۱۹۹ ۲۰۰ </p>
--	--

۱. در صورتیکه...	۲. در صورتیکه...
۳. در صورتیکه...	۴. در صورتیکه...
۵. در صورتیکه...	۶. در صورتیکه...
۷. در صورتیکه...	۸. در صورتیکه...
۹. در صورتیکه...	۱۰. در صورتیکه...
۱۱. در صورتیکه...	۱۲. در صورتیکه...
۱۳. در صورتیکه...	۱۴. در صورتیکه...
۱۵. در صورتیکه...	۱۶. در صورتیکه...
۱۷. در صورتیکه...	۱۸. در صورتیکه...
۱۹. در صورتیکه...	۲۰. در صورتیکه...
۲۱. در صورتیکه...	۲۲. در صورتیکه...
۲۳. در صورتیکه...	۲۴. در صورتیکه...
۲۵. در صورتیکه...	۲۶. در صورتیکه...
۲۷. در صورتیکه...	۲۸. در صورتیکه...
۲۹. در صورتیکه...	۳۰. در صورتیکه...
۳۱. در صورتیکه...	۳۲. در صورتیکه...
۳۳. در صورتیکه...	۳۴. در صورتیکه...
۳۵. در صورتیکه...	۳۶. در صورتیکه...
۳۷. در صورتیکه...	۳۸. در صورتیکه...
۳۹. در صورتیکه...	۴۰. در صورتیکه...
۴۱. در صورتیکه...	۴۲. در صورتیکه...
۴۳. در صورتیکه...	۴۴. در صورتیکه...
۴۵. در صورتیکه...	۴۶. در صورتیکه...
۴۷. در صورتیکه...	۴۸. در صورتیکه...
۴۹. در صورتیکه...	۵۰. در صورتیکه...

لا بد من قراءة الفصحى
 في كل صلاة
 في كل صلاة
 في كل صلاة



<p> لا بد من قراءة الفصحى في كل صلاة في كل صلاة في كل صلاة </p>	<p> لا بد من قراءة الفصحى في كل صلاة في كل صلاة في كل صلاة </p>
--	--

لا بد من قراءة الفصحى
 في كل صلاة

It would be my privilege to acknowledge my thanks to Mr. S. M. H. Shahangian, Cultural Counsellor, Islamic Republic of Iran in India, who has been instrumental in getting the ghazals edited and published. I shall deem it my duty to express my gratitude to Mr. Mahdi Khajeh Piri, the Director of Persian Research Centre, who has provided every possible facility in the edition and publication of the volume. I am also thankful to Dr. Rahmat Ali Khan, the Keeper of Salar Jung Museum and also to Dr. Yaqoob Omer, Reader in Persian, Osmania University, Hyderabad, for their assistance in procuring the photographic copy of the Ghazals. I am also indebted to Dr. Sharif Husain Qasemi, Reader in Persian, University of Delhi, for the pains he took in reading the proofs. Aiss Aey Printers deserve my thanks for the job they have so ably and carefully done.

Prof. Nazir Ahmad
Aligarh Muslim University
Aligarh

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(In the Name of Allah, Most Compassionate, Most Merciful)

PREFACE

Forty-seven Ghazals of Hafiz are quoted in a Persian anthology (No. Persian Poetry : 36/2289) preserved in the Salar Jung Museum, Hyderabad, India. The Ms. contains 171 folios in the old Nastaliq calligraphy and is dated Muharram, 813 A. H. Its orthographic peculiarities are similar to those available in the Persian Mss. of the 9th century of the Hijra. The scribe however was not very particular about following the rules of distinction between DAL and ZAL which had been commonly adopted in Mss. transcribed during the 9th and 10th centuries specially in Iran.

The importance of the Ms. so far as the Ghazals of Hafiz are concerned, lies in the following points :

1. They are not arranged alphabetically pointing to the fact that these were selected from a Ms. not arranged in an alphabetical order. This arrangement may suggest that the codex must be one of the earliest compilations.
2. All the forty-seven Ghazals, though available in the popular Diwan compiled by Mirza Muhammad Qazwini, contain a few scattered verses not included in the above collection and even some other compilations. One example will suffice for the present. Mirza Muhammad Qazwini has deleted the following line on the ground that it is available only in the later Mss. and totally absent from the earlier ones.

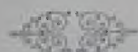
آنکه چون غنچه لبش راز حقیقت نهفت
ورق خاطر ازین نکته معشای کرد

As these Ghazals are available in a Ms. dated 813 A. H., one of the two or three earliest sources of Hafiz's Ghazals, they have been collated and critically edited here for the first time. In order that the Scholars of Hafiz may be able to utilize them meaningfully. The photographic printing of the Ghazals is also appended here.

A Critical Edition
OF
THE GHAZALIYAT-I-HAFIZ

(BASED ON A MAJMU'A DATED 813 A. H.
SALAR JUNG MUSEUM
HYDERABAD)

Edited by
Prof. NAZIR AHMAD
Aligarh Muslim University
Aligarh (INDIA)



INSTITUTE OF PERSIAN STUDIES
Islamic Republic of Iran Culture House
New Delhi-110001
(India)

A CRITICAL EDITION
OF
THE GHAZALIYAT-E-HAFIZ

[BASED ON A MAJMU'A DATED 813 A. H.
SALAR JUNG MUSEUM
HYDERABAD]



EDITED BY :

Prof. NAZIR AHMAD

Aligarh Muslim University

ALIGARH, INDIA



EDITED BY :